



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق احسن البصم

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



شرح حال روضہ خوان سیدالشہداء (علیہ السلام)

مرحوم جید الاسلام خان شیخ محمد باقر شریفی مدظلہ العالی

الترقیم: محمد رضا شریفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح حال روضه خوان سيدالشهداء عليه السلام مرحوم حجه الاسلام حاج شيخ محمد باقر شريفى قدس سره

نويسنده:

محمد رضا شريفى

ناشر چاپي:

محب العترة الطاهره

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	شرح حال روضه خوان سیدالشهداء علیه السلام مرحوم حجه الاسلام حاج شیخ محمد باقر شریفی قدس سره
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۲	اهداء
۱۳	فهرست
۱۷	پیشگفتار
۲۰	مقدمه
۲۳	فصل اول: طلوع
۲۳	اشاره
۲۴	آخوند ملاعلی (قدس سره)
۲۵	شیخ محمدحسین (قدس سره)
۲۷	شیخ محمدباقر (قدس سره)
۲۸	تحصیل
۲۹	اساتید
۳۰	تبلیغ
۳۰	ازدواج
۳۱	خاندان شمعیان و اهتمام به مجالس روضه امام حسین (علیه السلام)
۳۴	حالات معنوی مرحوم حاج ابراهیم شمعیان
۳۷	فصل دوم: درخشش عالم با عمل
۳۷	اشاره
۳۹	ویژگی های معظم له در یک نگاه
۴۰	ویژگی های نورانی
۴۰	اشاره

- ۴۰- تهجد و شب زنده داری
- ۴۵- بیداری بین الطلوعین
- ۴۶- استقامت در عبادت و بندگی
- ۴۹- تقوا و ورع
- ۴۹- اشاره
- ۵۰- الف: کنترل زبان
- ۵۱- ب: کنترل چشم و نگاه
- ۵۳- ج: تقوای مالی
- ۵۴- ۵- اهتمام به برگزاری مجالس اهل بیت(علیهم السلام)
- ۵۶- ۶- توجه به نیازهای مردم
- ۵۸- ۷- اهتمام به بیان احکام و پاسخگویی به سؤالات شرعی
- ۶۰- ۸- زهد و قناعت
- ۶۱- ۹- مداومت بر زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام
- ۶۳- ۱۰- انس با قرآن
- ۶۵- ۱۱- اهتمام عمل به دستورات طبی اهل بیت (علیهم السلام)
- ۶۶- ۱۲- براءت از دشمنان اهل بیت(علیهم السلام)
- ۷۲- ۱۳- تکریم سادات و اهل علم
- ۸۳- ۱۴- ارادت خاص به علامه بزرگوار ، مرحوم محمدباقر مجلسی(قدس سره)
- ۸۵- ۱۵- عزت نفس و رعایت حرمت لباس
- ۸۵- اشاره
- ۸۵- داستان‌های عجیب و کرامتی بزرگ
- ۸۶- ۱۶- عرض ارادت‌های خاص به محضر اهل بیت (علیهم السلام)
- ۸۶- اشاره
- ۸۷- الف (ارادت به محضر امیرالمؤمنین(علیه السلام) و غدیر
- ۸۷- اشاره
- ۸۸- نتیجه خدمت به امیرالمؤمنین (علیه السلام)

۸۸	ب (ارادت به محضر حضرت زهرا (علیها السلام))
۹۰	۱۷- اهتمام به زیارت آقا علی بن موسی الرضا (علیه السلام).
۹۰	اشاره
۹۲	داستانی زیبا و درسی بزرگ و معنوی
۹۳	آخرین زیارت و پذیرایی امام رضا (علیه السلام)
۹۷	استجاب دعا در حرم امام رضا(علیه السلام)
۹۸	۱۸- فعالیت های مذهبی و اجتماعی
۹۸	اشاره
۹۸	الف (اقامه عزای و تعظیم شعائر حسینی)
۹۸	اشاره
۹۸	۱ : مبنای معظم له در برخورد با مجالس عزای حسینی
۱۰۱	۲ : شفای بیماری به برکت برگزاری روضه حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)
۱۰۱	۳ : اشک ریزان در عزای حسینی
۱۰۱	اشاره
۱۰۲	مکاشفه برای یکی از مؤمنین در روضه مرحوم پدر
۱۰۵	یادی از ذاکر با اخلاص ، مرحوم حاج غلامرضا غزالی
۱۰۶	۴ : توصیه پدرا نه به فرزندان
۱۰۷	۵ : توصیه به روضه های هفتگی
۱۰۷	ب (اقامه نماز جماعت)
۱۰۹	ج (تعمیر مسجد امام موسی کاظم(علیه السلام))
۱۱۰	د) اقامه مجالس دعا
۱۱۰	اشاره
۱۱۱	۱ : دعای ندبه صبح های جمعه
۱۱۲	۲ : دعای سیمات عصرهای جمعه
۱۱۶	فصل سوم: غروب
۱۱۶	اشاره

- ۱۱۷ رؤیای صادقانه در آخرین شب حیات
- ۱۱۸ ارتحال معظم له در روز شهادت حضرت زهرا(علیها السلام)
- ۱۱۸ غسل در تاریکی
- ۱۱۹ مراسم نماز بر پیکر معظم له
- ۱۲۰ دفن در امامزاده ابوالعباس(علیه السلام)خوراسگان
- ۱۲۱ مراسم ختم و فاتحه
- ۱۲۱ نوشته روی سنگ قبر معظم له
- ۱۲۲ خاتمه
- ۱۲۸ سخن غدیرستان
- ۱۲۸ اشاره
- ۱۲۹ ۱. فعالیت های آموزشی غدیرستان
- ۱۲۹ اشاره
- ۱۲۹ الف : دوره های مقدماتی و زمینه ای
- ۱۲۹ ب : مباحث امامت
- ۱۲۹ ج : مباحث غدیر
- ۱۲۹ اول : تحلیل واقعه غدیر
- ۱۳۰ دوم : بررسی خطابه غدیر
- ۱۳۰ سوم : دوره های مهندسی تبلیغ غدیر در سه سطح
- ۱۳۰ ۲. تولیدات علمی - پژوهشی غدیرستان
- ۱۳۶ منابع و مآخذ
- ۱۳۹ درباره مرکز

شرح حال روضه خوان سيدالشهداء عليه السلام مرحوم حجه الاسلام حاج شيخ محمد باقر شريفى قدس سره

مشخصات كتاب

نام كتاب : روضه خوان شريف ، شرح حال روضه خوان سيدالشهدا (عليه السلام)

مرحوم حجت الاسلام حاج شيخ محمدباقر شريفى (قدس سره)

مؤلف : محمدرضا شريفى

ناشر : محب العتره الطاهره

تاريخ نشر : ايام غدیر 1442 قمری ، تابستان 1400 شمسی

بهاء : درود و سلام بر سيدالشهدا (عليه السلام) و ياران با وفای آن حضرت

ص: 1

اشاره

شرح حال روضه خوان سيدالشهداء عليه السلام

مرحوم حجه الاسلام حاج شيخ محمد باقر شريفى قدس سره

اثر قلم: محمد رضا شريفى

ص: 2

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَحَبِيبِنَا وَطَبِيبِنَا

الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ ، وَبَشِيرًا لِلْمُذْنِبِينَ

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَنْجَبِيِّينَ ، لَا سِيَّمًا

الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ ، وَالْوَلِيِّ الْمُنتَقَمِ

الْحُجَّهَيْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

آمِينَ آمِينَ آمِينَ

ص: 3

این مجموعه معنوی و یادآور و تئبه ساز به محضر :

1 : کسانی که در طول تاریخ ، در مجالس و محافل حسینی با اشک و آه و سوز و گدازشان دل های خود را جلا بخشیده و رونق بخش جلسات عزای سیدالشهدا بوده اند .

2 : دلدادگانی که در تمام دوره های سختی و فشار دشمن و مشکلات اقتصادی و اجتماعی چراغ عزای حسینی را روشن نگه داشتند .

3 : همه حسینیه داران و پیش قراولان برگزاری مجالس عزای حسینی که در استمرار برگزاری محافل حسینی (علیه السلام) با جان و مال و آبرو و امکاناتشان کوشیده اند .

4 : همه روضه خوان ها و مرثیه سرایان و تعزیه گردانانی که با همه سختی های اجتماعی و اقتصادی از سنگر مقدس خیمه عزای حسینی دور نشدند .

5 : و در یک کلام دلسوختگانی که به پیروی از انبیاء و امامان ، اوصیاء و اولیاء ، به انتظار منتقم حقیقی خون سیدالشهدا (علیه السلام) با سوز دل و اشک چشم و زبان ترنم به ذکر مصائب مظلومان کربلا ، خود را در زمره منتظران فرج حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار داده اند

اهداء می گردد .

پیشگفتار. 9

مقدمه. 12

فصل اول: طلوع.. 15

آخوند ملاعلی (قدس سره). 16

شیخ محمدحسین (قدس سره). 17

شیخ محمدباقر (قدس سره). 19

تحصیل.. 20

اساتید. 21

تبلیغ. 22

ازدواج. 22

خاندان شمعیان و اهتمام به مجالس روضه امام حسین (علیه السلام). 23

حالات معنوی مرحوم حاج ابراهیم شمعیان. 26

فصل دوم: درخشش... 29

عالم با عمل..... 30

ویژگی های معظم له در یک نگاه..... 31

1- تهجد و شب زنده داری.. 32

2- بیداری بین الطلوعین.. 36

3- استقامت در عبادت و بندگی.. 37

4- تقوا و ورع. 40

الف: کنترل زبان. 41

ب: کنترل چشم و نگاه. 42

ج: تقوای مالی.. 44

5- اهتمام به برگزاری مجالس اهل بیت (علیهم السلام).. 45

6- توجه به نیازهای مردم. 47

7- اهتمام به بیان احکام و پاسخگویی به سؤالات شرعی.. 49

8- زهد و قناعت.. 51

9- مداومت بر زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام. 52

10- انس با قرآن. 54

11- اهتمام عمل به دستورات طبی اهل بیت (علیهم السلام).. 56

12- برائت از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام).. 57

13- تکریم سادات و اهل علم. 63

14- ارادت خاص به علامه بزرگوار، مرحوم محمدباقر مجلسی (قدس سره). 73

15- عزت نفس و رعایت حرمت لباس... 75

16- عرض ارادت های خاص به محضر اهل بیت (علیهم السلام).. 76

الف) ارادت به محضر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و غدیر. 77

نتیجه خدمت به امیرالمؤمنین (علیه السلام). 78

ص: 6

ب) ارادت به محضر حضرت زهرا(علیها السلام). 78

17- اهتمام به زیارت آقا علی بن موسی الرضا (علیه السلام). 80

داستانی زیبا و درسی بزرگ و معنوی.. 82

آخرین زیارت و پذیرایی امام رضا (علیه السلام). 83

استجاب دعا در حرم امام رضا(علیه السلام). 87

18- فعالیت های مذهبی و اجتماعی.. 88

الف) اقامه عزا و تعظیم شعائر حسینی.. 88

1: مبنای معظم له در برخورد با مجالس عزای حسینی.. 88

2: شفای بیماری به برکت برگزاری روضه حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) 91

3: اشک ریزان در عزای حسینی.. 91

مکاشفه برای یکی از مؤمنین در روضه مرحوم پدر. 92

یادی از ذاکر با اخلاص، مرحوم حاج غلامرضا غزالی.. 95

4: توصیه پدرانه به فرزندان. 96

5: توصیه به روضه های هفتگی.. 97

ب) اقامه نماز جماعت.. 97

ج) تعمیر مسجد امام موسی کاظم(علیه السلام). 99

د) اقامه مجالس دعا 101

1: دعای ندبه صبح های جمعه. 101

ص: 7

2 : دعای سیمات عصرهای جمعه. 102

فصل سوم: غروب.. 106

رؤیای صادقانه در آخرین شب حیات ... 107

ارتحال معظم له در روز شهادت حضرت زهرا(علیها السلام). 107

غسل در تاریکی.. 108

مراسم نماز بر پیکر معظم له. 109

دفن در امامزاده ابوالعباس(علیه السلام) خوراسگان.. 110

مراسم ختم و فاتحه. 111

نوشته روی سنگ قبر معظم له. 111

خاتمه. 112

سخن غدیرستان. 118

1. فعالیت های آموزشی غدیرستان. 119

2. تولیدات علمی - پژوهشی غدیرستان. 120

3. نمایشگاه محصولات فرهنگی غدیر. 124

4. ارتباط با مخاطبین در مجموعه غدیرستان. 124

5. برگزاری جشن های غدیر از طرف غدیرستان. 125

6. برگزاری سفره های احسان امیرالمؤمنین(علیه السلام). 125

منابع و مآخذ... 126

ص: 8

گاهی نوشته ای آن چنان بر دل می نشیند که انسان مشغول به گرفتاری های روزمره گی ها را تحت تأثیر خود قرار می دهد و با علاقه قلبی آن را دنبال می کند و به دلیل نکته های معنوی و روحی ، مطالعه کننده را به دنبال خود می برد .

روزی دوست عزیزمان ، حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محمد رضا شریفی دام توفیقه که در اثر خدمت به پدر و مادر و دعای خیر آنها به موفقیت های فراوانی در زمینه خدمت به آستان مقدس اهل البیت (علیهم السلام) بالاخص امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) و سید الشهداء امام حسین (علیه السلام) دست یافته است ، دفتری را به من دادند که مطالعه کنم با خواندن صفحاتی از آن احساس کردم که باید صفحات دیگر دفتر را نیز مورد مطالعه قرار دهم . صحنه هایی از اخلاص دلدادگان عشق حسینی و فداکاری های مخلصانی با ایمان که در دوره سخت حکومت ضد دینی ، از جان و مال ، آبرو و آسایش خود مایه می گذاشتند و چراغ محافل حسینی را روشن نگاه می داشتند و دلدادگان اهل البیت (علیهم السلام) را دور هم جمع می کردند و علم عزای خاندان نبوت و امامت (علیهم السلام) و بالاخص مظلوم کربلا (علیه السلام) را برافراشته نگه می داشتند ، اشکم را درآورد و از عمق جان برایشان طلب رحمت کردم .

جلوه‌هایی از ایمان و تقوی و اخلاص و عشقِ حسینی در رفتار و کردار روضه‌خوانِ دلدادۀ سیدالشهدا (علیه السلام)، مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محمد باقر شریفی رحمه الله علیه مرا سخت تحت تأثیر قرار داد و در عمق جان و روح احساس کردم که جامعه‌ی فعلی ما (که سخت در غوغای مادیات گرفتار شده) به آشنایی با این شخصیت‌ها و روش و منش آنها نیازمند است.

در این نوشتار از علما و بزرگان دینی، گویندگان و مداحان ولائی، بانیان و برگزارکنندگان مجالسی یاد شده که در اثر پاک‌یت‌ها و اخلاص در عزاداری هایشان، در دفتر ماندگار روزگار، نام و یادشان ماندنی شده است.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده‌ی عالم دوام ما

با مطالعه‌ی آن دفتر و احساس معنوی خوشی که در من ایجاد شد، فکر کردم که اگر با زبان و عملم، قدمی ناچیز در تشویق برای نشر این مجموعه و این اقدام نورانی و حسینی بردارم، می‌توانم امیدوار باشم که نگاه مهر صاحب عزای عاشورا، حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)

و نظره‌ی رحیمه‌ی ای از منتقم خون امام حسین (علیه السلام)

حضرت بقیه‌ی الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

نصیبم گردد.

ص: 10

برای قوت قلب بیشتر برای ورود در این صحنه ، و نوع اقدام در تشویق و همکاری ، چندین استخاره کردم و این آیات مبشرات دل و جانم را نورانی و سراسر شور و عشق حسینی کرد .

« فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ... » (1) « التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ » (2)

« إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا فَاتَّبَعَ سَبَبًا » . (3)

امید است که نشر این اثر ولایی و حسینی ، ذخیره آخرت همه ما و یادشدگان در این نوشتار معنوی باشد .

ایام شهادت رئیس مذهب ، امام جعفر صادق (علیه السلام)

اصفهان - حوزه علمیه - میر سیّد حجه موحد ابطحی

ص: 11

1- . یوسف / 96 . پس هنگامی که مژده رسان آمد، پیراهن را بر صورت او افکند و او دوباره بینا شد .

2- . توبه / 112 . [آن مؤمنان ، همان] توبه کنندگان ، عبادت کنندگان ، سپاس گزاران ، روزه داران ، رکوع کنندگان ، سجده کنندگان ، فرمان دهندگان به معروف و بازدارندگان از منکر و پاسداران حدود و مقررات خدایند و مؤمنان را [به رحمت و رضوان خدا] مژده ده .

3- . کهف / 84 و 85 . ما به او در زمین ، قدرت و تمکّن دادیم و از هر چیزی [که برای رسیدن به هدف هایش نیازمند به آن بود] وسیله ای به او عطا کردیم . پس [با توسل به وسیله] راهی را [برای سفر به غرب] دنبال کرد .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ؛ هنگام یاد صالحان رحمت الهی نازل می شود» (1).

در دوران نبود عدم حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) و غیبت امام (علیه السلام) و سختگیری روزگار و فراوانی دشمنان و کمی دوستان و بارش فتنه ها و رویارویی اعداء، (2) و در دوره ای که حفظ ایمان به اندازه نگاه داشتن آتش در کف دست سخت و نفس گیر است، (3) نیاز به صالحانی که دیدارشان یادآور خدا، گفتارشان آگاهی بخش دل ها و کردارشان سوق دهنده به آخرت باشد (4) بیش از پیش ضروری می نماید.

عالمان صالح، بسان چراغ های فروزانی هستند که نوربخشی ایشان منحصر به زمان حیاتشان نیست. آثار، یاد نیک، حکایت پارسایی و خاطرات به جا مانده از ایشان همان مقدار باعث حیات دل هاست که دیدار حضوری ایشان بود، و فیوضات معنوی شان از

ص: 12

1- بحار الانوار، ج 90، ص 349.

2- اشاره به فرازی از دعای افتتاح: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ غَيْبَهُ وَ لَيْبْنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَطَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا». مفاتيح الجنان.

3- عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله) أَنَّهُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرَةِ. جامع الاخبار، ص 130؛ مستدرک الوسائل، ج 12، ص 33.

4- تحف العقول، ص 44.

عالم برزخ همواره بر دوست داران و پیروان راستین شان ساری و جاری خواهد بود . به فرمودی امام علی (علیه السلام):

« هَلَكَ خُزَانُ الْأَمْوَالِ وَهُمْ أَحْيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ ؛ مال اندوزان با آن که زنده اند مرده اند ، و اهل علم تا روزگار برپاست جاودانه اند ؛ پیکرهایشان نیست ، ولی یادشان در دل ها موجود است » . (1)

یکی از این ستارگان فروزان ، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محمدباقر شریفی است که دانشمندی پاک نهاد از تبار نیکان و عالمان بود ؛ وارستگی ، بی آلاچی ، ساده زیستی و بی اعتنایی به عناوین اعتباری و ظواهر دنیوی ، از او شخصیتی ممتاز ، مردمی و دوست داشتنی ساخته بود ؛ معلم اخلاقی که سخنش هدایت گر ، موعظه اش اثر گذار و نصیحتش آرام بخش همگان بود .

زنده و جاوید ماند آن که نکونام زیست

کز اثرش ذکر خیر زنده کند نام را

امروز هر چند از فیض وجود معظم له مانند دیگر اسلاف صالحش محرومیم ، اما سبک زندگی سراسر نور ایشان می تواند بهترین الگو برای پیر و جوان و جویندگان ایمان باشد و مواعظ و خاطرات به جا مانده از ایشان ماءمعینی است بر کام عطشناک فکر و جان انسان های حقیقت جو و طالبان نور و هدایت .

ص: 13

با توجه به این که از بین برادران تنها این جانب توفیق نوکری و پوشیدن لباس مرحوم پدر را پیدا کرده و خداوند این منت را بر بنده حقیر نهاد ، خود را موظف دانستم به شکرانه این نعمت بزرگ ، آنچه از مکتب ولایی پدر دریافت کرده ام را به رشتی تحریر در آورم تا از یک سو دین خود را نسبت به آنچه از برکت وجود ایشان و دعای مستمر آن بزرگوار در زندگی دریافت کرده ام ادا نموده ، و از سوی دیگر به خانواده ، اقوام و نسل جوان انتقال دهم .

با توجه به شرایط سخت دین داری در آخرالزمان امیدوارم این اثر سندی باشد برای این نسل و نسل های آینده که چگونه در میان همی مشکلات و نابسامانی های روزگار ، شخصی از اجداد ایشان در لباس نوکری اهل بیت (علیهم السلام) موفق به حفظ اعتقاد و ایمان خود شد و نه تنها لحظه ای از زندگی طلبگی و لباس روحانیت شکوه نکرد ، بلکه همواره فرزندان خویش را برای پوشیدن لباس نوکری صاحب الزمان - روحی فدا - تشویق می نمود .

با توجه به تمام ارادتی که ایشان به اهل بیت (علیهم السلام)، خاصه حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) داشتند ، نام این کتاب را « روضه خوان شریف » گذاشتم تا نمک لطف خامس آل عبا در جای جای این کتاب خوانندگان را نمک گیر خان گسترده آن حضرت نموده و جایگاه شریف روضه خوانان امام حسین (علیه السلام) از جمله معظم له ، بیش از پیش تکریم گردد . تا چه قبول افتد و چه در نظر آید ...

محمد رضا شریفی

قم مقدّسه - غدیر 1442 هـ - ق.

ص: 14

فصل اول: طلوع

اشاره

ص: 15

« آذرخواران » از توابع جرقوی سلفی، شهرستان اصفهان؛

آخوند ملاعلی برای خواندن صیغی عقد دعوت می شود؛ اما این مجلس با مجالس دیگر کمی متفاوت است. تیپ و قیافه ها به انسان ها نمی خورد. صیغه عقد توسط ملاعلی جاری می شود. رئیس اجنه ملاعلی را کنار خود می نشاند، سؤالاتش را از او می پرسد و پاسخ مکفی دریافت می کند. برای او قلیانی می آورند. آخوند قلیانش را که می کشد بلند می شود برود. رئیس با احترام بدرقه اش می کند و یک اشرفی به او تقدیم می کند.

آخوند ملاعلی شریفی، معروف به مستجاب الدعوه، عالمی وارسته، مردم دار، متقی، صاحب کرامت، هنرمند و آشنا به علوم غریبه بود. او از یک سو حلال مشکلات مردم بود، و از سوی دیگر با بیان شیوا و رسای خود، کام عطشناک ایشان را از معارف ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) سیراب می نمود.

تسلط ایشان بر نستعلیق ستودنی بود و قرآن زیبایی که با دست با کفایت ایشان نوشته شده، هم اکنون در مسجد جامع آذرخواران موجود است. ملاعلی، فرزند مرحوم ملاحسین شریفی محمدآباد جرقویه ای از خاندان علم و دانش بود.

پس از او، فرزندش مرحوم میرزا باقر پا جای پای پدر گذارده در سلک عالمان دین و در مسیر هدایت مردم قرار می گیرد .

میرزا باقر دارای هفت فرزند (پنج پسر و دو دختر) می شود که فرزندان ذکور عبارتند از :

مرحوم حجت الاسلام شیخ محمدحسین شریفی (وفات 1325 شمسی) ، مرحوم حجت الاسلام شیخ محمد شریفی (وفات 1335 شمسی) ، مرحوم ملارضا شریفی (وفات 1330 شمسی) ، مرحوم ملاحسین شریفی (وفات 1325 شمسی) و مرحوم عباسعلی شریفی (وفات 1349 ش) .

شیخ محمدحسین (قدس سره)

محمدحسین از فرزندان میرزا باقر ، با این که مشغول کشاورزی و پارچه فروشی بود اما از تحصیل علوم دینی در محضر پدر غافل نشد . او پس از دواج با دختری از خاندان ضیائی ، به صورت رسمی وارد حوزی علمیه شد تا از محضر اساتید حوزه کسب فیض نموده ، مروج قرآن و عترت و دستگیر ایتم آل محمد (صلی الله علیه و آله) شود .

اهتمام ایشان به تعظیم شعائر اهل بیت (علیهم السلام) ، برگزاری مجالس در مناسبت های مذهبی ، پاسخگویی به سؤالات شرعی ، تواضع و فروتنی ، رسیدگی به مشکلات مردم و توجه ویژه به محرومان و

رفع مشکلات ایشان از او چهره ای محبوب و دوست داشتنی به ویژه نزد اهالی جرقویه ساخته بود .

همسر ایشان ، فاطمه صغری ضیائی ، بانویی وارسته و صاحب کمالات اخلاقی بود . از ویژگی های ایشان می توان اخلاق نیکو در کنار همسر و فرزندان ، شوهردوستی ، رسیدگی به محرومان فامیل ، التزام به شریعت ، قانع بودن و ملاحظتی حال شوهر (تا آن جا که هرگز از او درخواستی نکرد که باعث زحمت ایشان شود) ، عفت و حیای ستودنی ، برگزاری جلسات قرآن در منزل و پاسخگویی به مسائل شرعی بانوان را نام برد . ایشان در خانواده ای رشد کرده بود که در طول سالیان ، روضی امام حسین (علیه السلام) در آن ترک نمی شد .

رابطی عاطفی و همیاری بین این زن و شوهر بسیار قوی و مثال زدنی بود . یک بار خانم به خاطر شرایط سخت اقتصادی و نبود امکان پذیرایی ، قصد تعطیلی یکی از جلسات خانگی را داشت که مرحوم شیخ محمدحسین اجازه نداد و با هر سختی بود امکانات پذیرایی را فراهم نمود .

این بانوی صالحه چنان روی حجاب و رعایت محرم و نامحرم حساس بود که در دوری رضاخانی و مسئله کشف حجاب ، وقتی یکی از مأموران با چوبدستی به ایشان بی احترامی کرده و او را مورد اصابت قرار داد ، به شدت متاثر و رنجور گردید و به یاد مصیبت عظمای حضرت زهرا (علیها السلام) و مظلومیت ایشان افتاد و بیش از یک

هفته توان تحمل این رنج معنوی را نداشت و چشم از جهان فرو بست . روحش شاد .(1)

شیخ محمدحسین(قدس سره) سه روز قبل از وفات ، از مرگ خویش خبر داد ، تجدید وصیت نمود و حساب های خود را با مردم صاف کرد . او در این سه روز ، از دوستان و نزدیکان طلب حلالیت می کرد و با قاطعیت از مرگ خویش خبر می داد . روز سوم در کمال بهت و ناباوری اطرافیان ، حالش نامساعد شد و چشم از جهان فرو بست . روحش شاد .

ثمره این خانوادى بافضیلت چهار فرزند بود :

مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ محمدباقر شریفی ، مرحومه راضیه شریفی ، مرحوم محمدتقی شریفی ، مرحوم محمدعلی شریفی .

شیخ محمدباقر(قدس سره)

محمدباقر ، اولین فرزند شیخ محمدحسین و بانو ضیائی بود که در سال 1304 شمسی با تولدش کانون گرم خانواده را پر از نور و شادمانی ساخت . پدر ، کام نوزاد را با تربیت امام حسین(علیه السلام) برداشت و با قرائت اذان و اقامه به احترام امام باقر(علیه السلام) نام « محمدباقر » را در گوش های او زمزمه کرد . سپس خاضعانه دست به دعا برداشت و برایش از خداوند ، توفیق خدمت به آستان مقدس امیرالمؤمنین(علیه السلام) و

ص: 19

1- . نقل از : صبیئه مرحوم شیخ محمدباقر شریفی ، متعلقه آقای علی پورجواد .

تحصیل

محمدباقر دروس مقدمات را نزد پدر فراگرفت و از محضر پرفیض او بهره های علمی و معنوی برد. سپس به تشویق پدر و به مقتضای آیه شریفه: « فَاُولَٰئِكَ نَفَرٌ مِّنْ كُلِّ قَبِيلٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ چرا از هر جمیعتی گروهی [به سوی پیامبر] کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، باشد که [از مخالفت با خدا و عذاب او] بپرهیزند». (1) همراه با خیل ملائکه راهی اصفهان شد و در حوزی علمیّه آن دیار مشغول تحصیل گردید. در این زمان، محمدباقر جوانی 19 ساله بود.

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

« مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَطْلُبُ عِلْمًا شَيْعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ؛ کسی که از خانه اش برای آموختن دانشی خارج شود، هفتاد هزار فرشته او را بدرقه نموده، برایش استغفار می کنند». (2)

ص: 20

1- . توبه / 122 .

2- . امالی، شیخ طوسی، ص 182؛ بحار الانوار، ج 1، ص 170 .

عالمان و اساتید وارسته ای که مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدباقر شریفی (قدس سره) از محضر ایشان کسب فیض نموده اند عبارتند از :

* مرحوم آیت الله سید محمدرضا خراسانی (قدس سره)

* مرحوم آیت الله حاج شیخ حیدرعلی محقق (قدس سره)

* مرحوم آیت الله شهید شمس آبادی (قدس سره)

* مرحوم آیت الله حاج سید بهاء الدین مهدوی (قدس سره) * مرحوم آیت الله حاج سیدحسین خادمی (قدس سره)

* مرحوم آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب (قدس سره)

* مرحوم آیت الله حاج سیدعطاء الله فقیه امامی (قدس سره)

* مرحوم آیت الله حاج سیداحمد فقیه امامی (قدس سره)

* مرحوم آیت الله حاج سیدحسن فقیه امامی (قدس سره)

حجت الاسلام حاج شیخ محمدباقر، به مقتضای رسالت طلبگی که بر دوش می کشید در ایام تبلیغ، راهی شهرها و استان های مختلف کشور از جمله آمل و مازندران می شد و به ترویج علوم و معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) می پرداخت. برنامه های درسی حوزه، منبر و فعالیت های تبلیغی در اصفهان و دیگر شهرها ایشان را از حضور در زادگاه و رسیدگی به اقوام و امورات اهالی آذرخواران، غافل نکرده و چندین سال در ماه مبارک رمضان در مسجد جامع آذرخواران در سه نوبت اقامه نماز و سخنرانی داشت.

ازدواج

مرحوم حاج شیخ محمدباقر در حجره ای مدرسه « شفیعیه » محله دردشت ساکن بودند و در همین زمان در مجالس روضه منبر می رفت. این روضه ها زمینی آشنایی ایشان با خاندان « شمعیان » را فراهم نمود. این آشنایی منجر به ازدواج شیخ محمدباقر با دختر مشهدی ابراهیم شمعیان شد. این بانوی مکرمه از طرف مادری منسوب به خاندان معروف « شیره پزها » بود. فاطمه، محمدحسین، محمدحسن، محمدرضا، طیبیه، محمدعلی و مریم به ترتیب حاصل این ازدواج بودند که بحمدالله به دعای معظم له، همه زیر سایه پربرکت اهل بیت (علیهم السلام) متنعم و به امور خیر مشغول هستند.

خاندان شمعائیان و اهتمام به مجالس روضه امام حسین (علیه السلام)

حاج ابراهیم، حاج محمود، حاج اسماعیل و حاج عبدالرسول چهار برادر از خاندان شمعائیان بودند. حاج محمود، حاج اسماعیل و حاج عبدالرسول هر سه در یک منزل 1500 متری در محلی در دشت زندگی می کردند که جلسات هفتگی و روضی حضرت اباعبدالله (علیه السلام) در آن ترک نمی شد. شیخ محمدباقر، چندین سال یکی از منبری های این جلسات بود.

جناب آقای حاج آقا مهدی غزالی(1) در عظمت این روضه ها نقل می کند:

« طبق آنچه بزرگترها در محل نقل کرده اند این مجلس از وعظ و خطابه و ارشاد مؤمنین و مؤمنات، سرآمد مجالس اصفهان بوده و تأثیر زیادی در تربیت فرزندان حسینی در خانواده ها داشته است. مرحوم آیت الله حاج سیدحسن فقیه امامی نیز در مواقع مختلف از این مجلس بی ریا و باعظمت یاد می کردند.»

آقای حاج اکبر شمعائیان فرزند مرحوم حاج محمود نقل می کند:

« منزل 1500 متری پدری ما دارای حیاطی بزرگ، حوض آب، باغچه و درختان زیبا بود و اتاق های زیبای دورتادور، نمای بسیار دلپذیری به آن می داد. این فضای دلچسب زمینی مساعدی را برای برگزاری جلسات روضه فراهم نموده بود و هر هفته شام جمعه که می شد بساط روضه خوانی با شور و شوق، توسط سه برادر پهن

ص: 23

1- پدر خانم برادرم جناب محمدعلی شریفی.

می شد. مرحوم آیت الله حاج آقا سید عطاء الله امامی (قدس سره) نماز مغرب و عشا را اقامه می کردند و بلافاصله پس از نماز، چند مسئلی شرعی عنوان می نمودند. سپس اهل منبر به مدت دو ساعت به وعظ و روضه خوانی می پرداختند. حجج اسلام، حاج شیخ محمدباقر شریفی (قدس سره)، حاج شیخ محمدتقی فهامی (قدس سره)، حاج شیخ مهدی مظاهری (قدس سره)، حجت الاسلام حاج شیخ محمد وثیق (قدس سره) و برخی دیگر از بزرگان اهل علم، هر هفته در این منزل سخنرانی می کردند. مرحوم آیت الله آقای حاج سید مرتضی موحد ابطحی (قدس سره) نیز در این مجلس افاضه می نمودند.

در این منزل قدیمی نه خانوار، با صفا و صمیمیت کنار یکدیگر زندگی می کردند و در پرتو این جلسات، فرزندان حسینی تربیت می نمودند. ارتباط با علما و به خصوص خاندان حضرت آیت الله حاج آقا سید عطاء الله امامی (قدس سره) و حضرت آیت الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی (قدس سره) از ویژگی های خاص خاندان شمعانیان بوده و هم اکنون نیز این ارتباط با فرزندانشان حضرت آیت الله حاج سید حجت موحد ابطحی (دامت برکاته) و آیت الله زاده، حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مهدی فقیه امامی (زید عزه) و اخوان این بزرگوار برقرار می باشد.

پدر و عموهای بنده هر کدام در برگزاری جلسه هفتگی عزاداری و روضه امام حسین (علیه السلام) نقش ایفا می کردند. مرحوم حاج محمود و مرحوم حاج اسماعیل، تدارکات تهیه چای و توزیع آن را بر عهده

داشتند ، و مرحوم حاج رسول هماهنگی جلسه را انجام می داد و با توجه به حافظی قوی و علاقه ای که به مداحی و حفظ اشعار داشت در موقع نیاز مداحی می کرد . مرحوم حاج ابراهیم نیز با حال خاصی که در اشک و گریه داشت مجلس روضه را سرشار از معنویت می نمود ، تا جایی که دیگر مستمعین ، با دیدن حال و هوای ایشان منقلب می شدند و اشک می ریختند .

پدرم ، حاج محمود می فرمود : در زمان قحطی خیلی از جلسات به خاطر نبود هزینه و یا قحطی قند و چای ، تعطیل می شد ، و حتی گاهی صاحبان جلسه مجبور می شدند به جای قند ، توت خشک همراه چای بیاورند . اما این جلسه به لطف اهل بیت علیهم السلام نه تنها تعطیل نشد ، بلکه میهمانان همواره با چای و قند پذیرایی می شدند .

حتی در زمان رضاخان که جلسات مذهبی و روضه ها یک پارچه تعطیل شد و چادر را از سر زنان می کشیدند ، این جلسه به صورت مخفیانه برقرار بود و تعطیل نشد . خوبی این منزل این بود که یک درب اصلی در کوچی پاگلدسته داشت و یک درب مخفی در کوچی پشتی که در مواقع ضروری ، مردم از آنجا خارج و پراکنده می شدند . اما همین مجلس هم لورفت و عموی ما مرحوم حاج رسول ، مدتی به همین دلیل در بازداشت و شکنجه بود تا این که به فضل خدا و به برکت اهل بیت علیهم السلام آزاد شد .

ایام ربیع الاول « غدیر ثانی » که می شد ، فضای منزل به طور کلی تغییر می کرد و مجلس به زیباترین وجه ، تزیین و آراسته می شد . مدت دو هفته در این منزل بساط جشن و شادی و سفری برائت از دشمنان و قاتلین حضرت زهرا(علیها السلام) گسترده بود و مردم و علما با لباس های شاد و رنگین در این مجلس حاضر شده اظهار شادی و سرور نموده به یکدیگر تبریک و تهنیت می گفتند .

حالات معنوی مرحوم حاج ابراهیم شمعائیان

استاد قرآن جناب آقای حاج سید محمد طباطبایی در مورد خصوصیات معنوی و حسینی بودن مرحوم حاج ابراهیم شمعائیان (معروف به خاندان خشکه پزها) می گوید :

« بنده خردسال بودم و برای گرفتن نان به نانوائی ایشان رجوع می کردم . به یاد دارم تازه اشعاری را در مدح امام حسین(علیه السلام) حفظ کرده بودم و صدای خوبی داشتم . یک روز نانوائی شلوغ بود . تا رسیدم ، ایشان از پشت تنور به طرف من آمد ، مرا بغل کرد و برد داخل نانوائی کنار خودش روی صندلی بلندی نشاند و گفت : « تا نوبت بشود برای ما روضی امام حسین(علیه السلام) بخوان » . من نیز شروع به خواندن کردم . ایشان در حالی که مشغول پخت نان و راه انداختن مشتریان بود بلند بلند گریه می کرد . مردم با گریه های ایشان منقلب شدند و نانوائی به یک مجلس روضه تبدیل شد » .

نانی که با این شور و شوق و معنویت پخته شود شما حساب کنید چه نورانیتی در دل استفاده کنندگان ایجاد خواهد کرد!

نانوهای قدیم مقید به وضو و بسم الله در شروع کار و تداوم ذکر خدا در حین کار بودند و حتی بعضی نافلی شبشان را در کنار تنور می خواندند .

حال ، شما آنها را با نانوایی هایی که با پخش موسیقی نان می پزند مقایسه کنید . به راستی کدام یک تربیت کننده و کدام بازدارنده است؟!

البته استفاده از هر فرصتی برای ذکر اهل بیت (علیهم السلام) و توسل به ایشان هم خود نکته ای است که نسل های پیشین اهتمام بیشتری به آن داشتند و این ، نشان دهنده پیوند قلبی عمیق و عشق وافر ایشان به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) است . هارون بن خارجه گوید : نزد امام صادق (علیه السلام) نشسته بودیم که نامی از امام حسین (علیه السلام) برده شد . حضرت گریست و ما هم گریستیم . سپس امام صادق (علیه السلام) فرمود : امام حسین (علیه السلام) فرمود : « أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى ؛ مَنْ كَشَتِي غَرِيهَ ام ؛ هَيْجَ مُؤْمِنِي مَرَا يَادْ نَمِي كَنْدْ جَزَايْنِ كَهْ مِي گَرِيدَ » . (1)

بنابراین ، عكس العمل قلب ، هنگامی که از امام حسین (علیه السلام) یاد می کنند و گریستن بر او نشانی ایمان است .

ص: 27

شیخ کَشّی (قدس سره) از زید شَحّام روایت کرده است که : من با جماعتی از کوفیان در خدمت امام صادق (علیه السلام) بودیم که جعفر بن عَفّان وارد شد . حضرت او را اکرام کرده نزدیک خود نشانند و فرمودند : یا جعفر !

جعفر عرض کرد : خدا مرا فدای تو کند ، بفرماید .

حضرت فرمودند : به من گفته اند تو در مرثیه و عزای حسین (علیه السلام) شعر می گویی . جعفر عرض کرد : بله ، فدای تو شوم . حضرت فرمودند : پس بخوان . جعفر شروع به خواندن مرثیه نمود ، حضرت صادق (علیه السلام) و حاضرین مجلس گریستند . حضرت آنقدر گریست که اشک چشم مبارکش بر محاسن شریفش جاری شد . سپس فرمودند : « به خدا سوگند ! که فرشتگان مقرب در اینجا حاضر شدند و مرثیه تو را در مصائب حسین (علیه السلام) شنیدند و بیش از ما گریستند و حق تعالی در همین ساعت بهشت را با تمام نعمت های آن برای تو واجب گردانید و گناهان تو را آمرزید » .

پس امام فرمودند : ای جعفر می خواهی که زیادتر بگویم ؟

جعفر عرض کرد : بله ، ای آقای من .

حضرت فرمود : « هر که در مرثیه حسین (علیه السلام) شعری بگوید و بگیرد و بگریاند ، حق تعالی او را بیامرزد و بهشت را بر او واجب گرداند » . (1)

ص: 28

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: « عالمان دینی، چراغ های زمین اند ». (1) عالم دینی، چراغ هدایت است و زمین، بی چراغ، وادی ضلالت، و اگر حضور عالمان دینی در دوران غیبت نبود دین در پردی محاق فرو می رفت و چیزی جز ظلمت و سرگردانی نصیب انسان ها نگشته، زندگی سرانجامی جز سقوط نداشت.

عالمی که علمش را روی خودش پیاده کرده و در سایه تقوا به وارستگی رسیده، حرف و عمل و گفتار و کردارش همه نور و عامل هدایت است.

عالم، با حُسن اخلاق، حُسن سیره، حُسن کلام، و حُسن نیتی که دارد شأنی جز هدایتگری ندارد و تمام حرکات و سکناش نور است. عالم نه تنها در زمان حیات مایه هدایت است، بلکه خورشید وجودش پس از وفات نیز روشنی بخش عالم و آدم است.

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریدی عالم دوام ما(2)

مرحوم حاج شیخ محمدباقر شریفی از آن دسته عالمان عامل و با اخلاصی بود که ویژگی های اخلاقی و معنوی او شأنی جز درخشندگی و هدایتگری برایش باقی نگذاشته بود.

ص: 30

1- . العُلماءُ مَصَابِيحُ الارضِ . نهج الفصاحه ، ح 2014 .

2- . حافظ ، غزلیات .

در تاریخ دوازدهم خرداد ماه یکهزار و چهارصد شمسعی زمانی که برای ارائه گزارش عملکرد مؤسسه غدیرستان و اهداء یکدوره « دانشنامه غدیر » به اتفاق جمعی از اعضا و خادمین غدیر در کتابخانه نورانی و با معنویت « الزهرا (علیها السلام) » خدمت صدیق مکرم حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا حسین فقیه امامی زیدعزه رسیدیم و از رهنمودهای با ارزش علمی و معنوی آن بزرگوار بهره مند شدیم ، آنگاه بیاناتی راجع به والد معظم بیاناتی فرمودند که در ذیل بدون تصرف تقدیم می نمایم :

یکی از الطاف خداوند متعال به انسان آن است که توفیق هم نشینی با مؤمنین واقعی و اولیاء خودش را به او عطا فرماید . این حقیر از این لطف الهی بی بهره نبوده و از جمله کسانی که توفیق هم نشینی با او را یافتم مرحوم حجت الاسلام و المسلمین ذاکر با اخلاص حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) آقای حاج شیخ محمدباقر شریفی (قدس سره) که یکی از مصادیق حدیث شریف « مَنْ يُدَكِّرْكُمْ اللَّهُ زُؤِيْتَهُ » بودند . سال هایی که در درس خارج فقه مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره) شرکت می کردم حدود بیش از پنج یا شش سال با مرحوم آقای شریفی هم نشین بودم . از خصوصیات قابل توجه ایشان :

1 : منظم بودن در ساعت حضور در درس ؛ 2 : منظم بودن از نظر لباس و حرکات و سکنتات و خلاصه حفظ کامل شئون لباس مقدس روحانیت ؛ 3 : طمأنینه و آرامش فوق العاده ؛ 4 : دائم الذکر بودن ؛ 5 : قلیل الکلام بودن ؛ 6 : خوش اخلاقی و خوش برخوردی ؛ 7 : سربه زیر بودن و نگاه مستقیم

نکردن و دیگر صفاتی که در روایات برای یک انسان مؤمن واقعی آمده است . خداوند ایشان را با اولیانش محشور فرماید .

ویژگی های نورانی

اشاره

در ادامه به برخی از این ویژگی های نورانی معظم له اشاره می کنیم تا درخشش این هدایت گری برای طالبان نور و گم گشتگان وادی اخلاق و فضیلت بیش از پیش آشکار شود .

1- تهجد و شب زنده داری

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود :

« إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَهْرٌ لَا يَدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ ؛ همانا رسیدن به خداوند متعال سفری است که جز با شب زنده داری حاصل نمی شود » . (1)

آنان که چون حاج شیخ محمدباقر ، بی قرار یارند هر سحر بیدارند و خواب در محضر دوست بر ایشان حرام است .

خداوند به موسی بن عمران (علیه السلام) فرمود : « ای پسر عمران ! دروغ می گوید کسی که گمان می کند مرا دوست دارد و شب هنگام چشمانش را بر هم فرو می نهد . آیا چنین نیست که دوست ، خلوت با حبیبش را دوست دارد » . (2)

ص: 32

1- . بحارالانوار ، ج 78 ، ص 379 .

2- . قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): كَانَ فِيمَا نَجَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ (عليهما السلام) أَنْ قَالَ لَهُ: « يَا ابْنَ عِمْرَانَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّةُ اللَّيْلِ نَامَ عَنِّي كُلُّ مُحِبٍّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ .» روضه الواعظين (ترجمه مهدوی دامغانی) ، ج 2 ، ص 527 .

اینجا صحبت از عشق و عاشقی و دلباختگی و بی‌قراری است، و سحر، گاه وصل و هم‌آغوشی است. سجاده‌ای که در سحر پهن شود، صد جاده به سوی دوست راه باز کند و صد پنجره از نور به قلب مؤمن بگشاید. سحر، گاه پرواز است و میعادگاه اهل راز. درهای آسمان را ساعتی پیش از اذان صبح بگشایند و والهان حریم دوست را مشفقانه ندا دهند که: « هَلْ مِنْ مُسَدِّ تَغْفِرٍ فَيَغْفِرُ لَهُ »؛ آیا کسی هست که طلب آمرزش کند و مورد آمرزش قرار گیرد؟ « هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَيَتَّابُ عَلَيْهِ »؛ آیا کسی هست که توبه کند و توبه اش پذیرفته شود؟ « هَلْ مِنْ دَاعٍ فَيَسْتَجَابُ لَهُ »؛ آیا کسی هست که تقاضای خیر کند تا مورد اجابت قرار گیرد؟ « هَلْ مِنْ سَائِلٍ يُعْطَى سَوْأَهُ »؛ آیا کسی هست که تقاضا کند و درخواستش پذیرفته شود و خدا به او عطا کند؟ (1)

و در یک کلام:

برخیز که عاشقان به شب راز کنند

گرد در و بام دوست پرواز کنند

هر جا که دری بود به شب در بندند

الا در عاشقان که شب باز کنند(2)

ص: 33

1- . دُرَرُ الْأَحَادِيثِ النَّبَوِيَّةِ ، 33 .

2- . بابا افضل کاشانی ، رباعیات ، رباعی ش 69 .

سحر، سیر دلبری و دلدادگی است. سحر، گاه گدایی برای رسیدن به پادشاهی است و به طور کلی به هر کس هرچه داده اند از سحر داده اند؛

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود

گمان نمی کنم کسی زیباتر و شیواتر و عمیق تر از حافظ در سحر سحر، سخن رانده باشد آنجا که می گوید:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

بیخود از شعشعی پرتو ذاتم کردند

باده از جام تجلی صفاتم دادند

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی

آن شب قدر که این تازه براتم دادند

بعد از این روی من و آینه وصف جمال

که در آن جا خبر از جلوه ذاتم دادند

من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب

مستحق بودم و این ها به زکاتم دادند

هاتف آن روز به من مژدی این دولت داد

که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند

این همه شاهد و شکر کز سخنم می ریزد

اجر صبریست کز آن شاخ نباتم دادند

همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود

که ز بند غم ایام نجاتم دادند

نجات از غصه، رسیدن به حیات جاودانی، بیخود شدن از شعشعی پرتو ذات، نوشیدن باده از جام تجلی صفات، گرفتن برات، باخبر شدن از جلوی ذات، شهدِ سخن، خوشدل و کامروا شدن و نجات از بند غم ایام همه از برکات سحر است. و آیا چیزی هست که در سحر نتوان گرفت؟! قرآن شریف در سوری ذاریات یکی از ویژگی های متقین را استغفار در وقت سحر می داند: « **وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ** » (1).

فرزندان مرحوم حاج شیخ محمدباقر آنچه را گفته شد بارها با چشمان خود دیده اند، و بارها شاهد بی قراری و شیدایی پدر در دل شب بوده اند و سحرهای بی شماری با صدای گریه و مناجات او از خواب برخاسته اند.

برادرم آقای محمدحسن می گوید:

« کار هر شب پدر این بود که یک ساعت به اذان صبح بیدار می شد و مشغول عشق بازی با خدا و انجام نوافل بود تا بیست دقیقه به اذان که راهی مسجد می شد. زمزمی العفو العفو و گریه های عاشقانی ایشان در سجده یا قنوت، شیرین ترین زمزمه ای بود که می توانست بیدار کننده همسر و فرزندان باشد. ایشان مسیر منزل تا مسجد را پیاده می پیمود و در کل مسیر رفت و برگشت، دل و زبانش

ص: 35

1- . ذاریات / 18 . و نیز آل عمران / 17 : « **الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ** » .

از ذکر حق و عشق بازی با معشوق باز نمی ایستاد». و من خود شاهد این ماجرا بوده ام. هنیئاً له.

اخوی گرامی، آقای محمدعلی شریفی نقل می کند:

« یک شب که از صدای گریه و مناجات پدر بیدار شدم اتاق را روشن دیدم در حالی که چراغی روشن نبود و من کاملاً هوشیار بودم. پس از چند لحظه اتاق خاموش شد و پدر همچنان مشغول راز و نیاز بود.»

2- بیداری بین الطلوعین

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم: نظرتان درباره خواب بعد از اذان صبح چیست؟

حضرت فرمود: « رزق و روزی از اذان صبح تا طلوع آفتاب تقسیم می شود و من دوست ندارم کسی در این زمان خواب باشد». (1)

از ویژگی های مرحوم پدر، اصرار بر بیداری بین الطلوعین بود. او فرزندان خود را پیش از سن تکلیف برای نماز صبح بیدار می کرد و به آنها می فرمود: بین الطلوعین بیدار بمانید تا تمرینی شود برای زمان تکلیف و پس از آن خود آقا هم دو زانو و مؤدب رو به قبله می نشست و زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام با سوز و گداز قرائت می کرد و بر مصائب ارباب شهیدش اشک می ریخت. این کار در روزهای سرد سال، زیر سقف انجام می شد، و روزهایی که هوا

ص: 36

خوب بود زیر آسمان؛ و این شیوه تا جایی که بنده به یاد دارم حتی یک روز هم ترک نشد.

جابر از امام باقر(علیه السلام) نقل کرده که حضرت فرمودند:

« همانا شیطان، لشکریانش را از اذان صبح تا طلوع آفتاب در زمین پخش می کند. پس، در این زمان، زیاد به یاد خدا باشید و از شر شیطان به او پناه ببرید و کودکانتان را نیز به این کار عادت دهید، چرا که این ساعت، ساعتِ غفلت است. » (1)

3- استقامت در عبادت و بندگی

می گویند: خداوند ما را ایستاده آفرید تا ایستادگی را از یاد نبریم؛ چرا که شرط اصلی پیروزی، استقامت و پایداری است و اقرار به توحید و ربوبیتِ خداوند در مسیر دینداری به تنهایی کافی نیست.

« إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ توعَدُونَ؛ کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که وعده داده شده اید. » (2) به قول حافظ:

صبر و ظفر، هر دو دوستان قدیمند

بر اثر صبر، نوبت ظفر آید

ص: 37

1- وسائل الشیعه، ج 6، ص 497، ح 8532.

2- فصلت / 30.

خداوند آنگاه که دستور به عبودیت و عبادت می دهد، صبر و شکیبایی را نیز چاشنی آن می سازد:

« فَأَعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ ؛ پس ، او را بپرست و در پرستش او شکیبای باش » . (1)

چرا که طاعت و عبادت ، طاقت فرساست و با راحتی و تن پروری سازگاری ندارد . بر همین اساس ، یکی از اقسام صبر در روایات ، صبر در طاعت و بندگی شمرده شده است . (2)

امام علی (علیه السلام) می فرماید :

« قَلِيلٌ تَدْوُمٌ عَلَيْهِ أَوْ جَمْعٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُوءٍ مِنْهُ ؛ کم ادامه دار ، امیدوارانه تر است تا زیاد خسته کننده » . (3)

قلبی که دائم مشغول معشوق نباشد در لاف عشقی که زده صادق نیست . عشق را با غفلت و راحت ، سازگاری نیست . برای این که چراغ دل عابد همواره روشن بماند اتصال دائم با معبود لازم است که گفته اند : ایستادگی کن تا روشن بمانی ، شمع های افتاده ، خاموش می شوند .

در سیری علما اهتمام به اعمال عبادی و اصرار و استمرار بر مستحباتی چون نوافل یومیه ، نافلی شب ، زیارت عاشورا ، زیارت

ص: 38

1- . مریم / 65 .

2- . دو قسم دیگر ، صبر در مصیبت و صبر در برابر معصیت است .

3- . نهج البلاغه ، حکمت 270 .

جامعه، نماز جعفر طیار و... موج می زند، دقت و تقیّد بر واجبات که جای خود را دارد. این که کسی در طول زندگی یک یا چند مرتبه نماز جعفر بخواند هنر نیست؛ هنر این است که همچون آیت الله بهجت (رحمه الله) نماز جعفر و زیارات جامعه و عاشورا کار هر روزت باشد.

حجت الاسلام و المسلمین مرحوم حاج شیخ محمدباقر شریفی از جملی کسانی بود که نه تنها مقیّد به واجبات در اوقات فضیلت آن ها آن هم با آداب و مستحباتشان بود، بلکه پایبندی ایشان بر نماز شب، زیارت عاشورا، تلاوت قرآن و اذکار و ادعیه در طول شبانه روز و زیارت جامعه، دعای ندبه، توسل، کمیل و سیّمات به صورت هفتگی و اعمال و ادعیه مخصوص ماه های سال مانند رجب، شعبان، رمضان و دهی ذی الحجّه و... مثال زدنی بود.

منبر و اجرای مراسم احیای هر سالی ایشان در شب های پرفضیلت قدر در مسجد امام موسی کاظم (علیه السلام) (در خیابان کمال) و مسجد رضوی (واقع در خیابان صغیر اصفهانی) در یاد و خاطر مؤمنین باقی است. صبر، حوصله و سخت کوشی ایشان در انجام مستحباتی که بعضاً تحمل و طاقت خاصی را می طلبد برای ما فرزندان، درس و الگو و حتی مایی تعجب و تحسین بود.

از جمله تقیّدات معظم له نافله های یومیه بود که هرگز آن را ترک نکرد. البته نافله خواندن ایشان هم تماشایی بود. ایشان نوافل

یومیه را آن چنان با دقت و توجه و رعایت آداب و اصول می خواندند که ما در بسیاری از موارد شک می کردیم نافله می خواند یا نماز واجب!

4- تقوا و ورع

اشاره

امام علی (علیه السلام) فرمود:

« التَّقَى رِئِيسُ الْأَخْلَاقِ » (1)؛ یعنی تقوا بر اخلاق حکومت می کند و ریشی همی اخلاقیات، تقواست.

تقوا که باشد تمام نابسامانی های فردی، اجتماعی و خانوادگی درست می شود، چرا که بشر هر چه می کشد از بی تقوایی است. تقوا مایی برکت (2) و شرط قبولی اعمال است تا جایی که فرمود: خداوند تنها از تقوای پیشگان می پذیرد؛ «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (3). اگر تقوا برای همگان ضروری و زبینه است برای عالم دینی، تقوا مایی حیات معنوی و تبلیغی است. اصلاً علامت عالم بودن، متقی بودن است و عالمان راستین همواره در ردی اول تقوای پیشگان بوده اند.

حجت الاسلام مرحوم حاج شیخ محمدباقر از جملی عالمانی بود که در سراسر عمر با برکت خویش سر سوزنی پا را از مدار تقوا بیرون نهاد.

ص: 40

1- نهج البلاغه، حکمت 410.

2- « وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ » اعراف / 96.

3- مائده / 27.

اخوی بزرگ ما جناب آقای حاج حسین شریفی نقل می کردند: روزی جناب حجت الاسلام مرحوم حاج سید جواد ابطحی (قدس سره) را سوار ماشین نمودم. وقتی خود را معرفی کردم ایشان بسیار خوشحال شده فرمودند:

« پدر شما شخصیت بسیار بزرگی در ادب و تقوا بودند. بنده با جناب حجت الاسلام منصورزاده (قدس سره) (1) و ایشان در دوران طلبگی و پس از آن، در جلساتی با هم بودیم. گاهی که ما شوخی طلبگی می کردیم ایشان احتیاط می کردند و با ما همراه نمی شدند و می فرمودند: ممکن است برای دیگران بی اشکال باشد، اما برای ما طلبه ها صحیح نیست.»

در ذیل به چند نمونه از مصادیق تقوی و ورع که در وجود ایشان در اثر مراقبت و تداوم ملکه گردیده بود اشاره می نمایم:

الف: کنترل زبان

کنترل زبان، یکی از سخت ترین مصادیق رعایت تقواست و زبان، لغزش گاهی است که پیلان و پهلوانان بسیاری در آن به زمین خورده اند. اما مرحوم پدر، الحاق در این زمینه هم موفق و سربلند بودند. معظم له بسیار ساکت و بی ادعا بوده، فقط در مواقع نیاز سخن می گفتند. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) سکوت را جزو چهار چیزی شمرده است که

ص: 41

1- امام جماعت سابق مسجدالهادی (علیه السلام) واقع در خیابان سیدعلی خان و یکی از خطبای برجسته و دارای کمالات روحی و اخلاقی.

فقط انسان مؤمن قادر به دستیابی بر آن است و آن را گام نخست عبادت و بندگی دانسته است. (1)

ب : کنترل چشم و نگاه

در زمینی دقت معظم له در کنترل چشم ، اخوی ما جناب آقای محمدعلی شریفی نقل می کند :

« مرحوم پدر ، فاصلی منزل تا محل درس را پیاده می رفت . یک روز سوار بر دوچرخه در حال عبور بودم که چشمم به ایشان خورد . برخلاف همی پیاده ها که از پیاده رو حرکت می کردند ایشان در کنار خیابان پیاده روی می نمودند نگران شدم مبدا وسیلی نقلیه ای به ایشان برخورد کند . بنابراین ، پیاده شده از ایشان پرسیدم : آقا جان ! چرا از پیاده رو حرکت نمی کنید ؟ فرمودند : « پیاده رو خیلی شلوغ بود ، ترسیدم چشمم به نامحرمی بیفتد » .

ایشان در موقع سخن گفتن با بانوان ، بدون استثنا سر به زیر بودند و حتی در حین حرکت هم توجهی به اطراف نداشتند . بانویی که از خویشان نزدیک ما بود بارها می گفت :

« دقت در برخورد با نامحرم را باید از معظم له درس بگیریم ؛ بنده یک موقع سؤالی پرسیدم ، ایشان از ابتدا تا انتها لحظه ای سر را بلند نکردند و همواره نگاهشان پایین بود . من متعجب شدم که

ص: 42

1- . « يَا أَبَا ذَرٍّ أَرَبِعَ لَا يُصَدِّقُهُنَّ إِلَّا مُؤْمِنٌ: الصَّمْتُ وَهُوَ أَوَّلُ الْعِبَادَةِ؛ وَ التَّوَاضُّعُ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ؛ وَ ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى فِي كُلِّ حَالٍ؛ وَ قَلَّةُ الشَّيْءِ يَعْني قَلَّةُ الْمَالِ .» مكارم الأخلاق ، ج 2 ، ح 377 ، ح 2661 .

چگونه ایشان مرا نشناختند و آیا صدای من برای ایشان آشنا نبود؟! برای همین خود را معرفی کرده و گفتم: بنده فلانی هستم از اقوام نزدیکتان. ایشان فرمودند: عجب! ان شاء الله موفق باشید. بعد از معرفی خودم باز هم ایشان مستقیم به صورتم نگاه نکردند.»

توصیه‌ی همیشگی معظم له در منزل برای فرزندان و به خصوص صبیبه‌ها، رعایت تقوای الهی و مراعات محرم و نامحرم بود.

نقل می‌کنند: روزی شخصی خدمت مرحوم آیت الله حاج آقا رحیم ارباب (رحمه الله) آمد و گفت: می‌خواهم از منزلی که فعلاً در آن ساکن هستم بروم به این دلیل که در آن خانه برادرانم و همسرانشان هستند و ممکن است چشمم به نامحرم بیفتد ولی مادرم اجازه نمی‌دهد و ابراز ناراحتی می‌کند. نمی‌دانم خودم را از نگاه به نامحرم در امان دارم یا به حرف مادرم عمل کنم؟

ایشان فرمودند: «من چهل سال این وضع برایم بود و چشمم به نامحرم نیفتاد و آن را کنترل کردم، شما هم مراقب باشید چشمتان به نامحرم نیفتد و سعی کنید مادران را ناراحت نکنید.»

روزی کسی از این عالم با ورع پرسید: پس از این همه عمر، آیا ادعایی هم دارید یا نه؟

ایشان فرمودند: «در مسائل علمی هیچ ادعایی ندارم، اما در مسائل شخصی دو ادعا دارم؛ یکی آن که به عمرم هیچ گاه غیبت نگفتم و غیبت نشنیدم. و دوم آن که در طول عمرم هرگز چشمم به

نامحرم نیفتاد، در حالی که برادرم با همسرش چهل سال در منزل ما بودند، در این چهل سال یک بار همسر برادرم را ندیدم و اگر او را در خیابان بینم نمی شناسم» (1).

ج : تقوای مالی

معظم له با این که به دلیل زندگی طلبگی، پس انداز خاصی نداشتند، ولی برای خود سال خمسی تعیین کرده بودند و هر سال، زمانش که می رسید، اجناس مانده در منزل را با دقت حساب کرده و خمس آن را پرداخت می کردند. و گاهی مبلغی را احتیاطاً رد می کردند که مبادا سهم امام یا سادات به گردنشان مانده باشد. ایشان نه تنها خود نسبت به مستلی خمس بسیار حساس بود، بلکه مقید بود روی منابر، بحث خمس و احکام شرعی آن را برای مردم بیان نماید تا مبادا رزق و روزی آنها مشکل پیدا کند. این ویژگی ایشان الگو گرفته از سیری امام علی (علیه السلام) است چنانچه در روایت می خوانیم:

امیرالمومنین (علیه السلام)، سفارش و وصیت به خمس را دوست می داشت. (2) در روایاتی از امام رضا (علیه السلام) (3) و امام مهدی (علیه السلام) (4) تصریح شده است که

ص: 44

1- . نقل از کتاب « ارباب معرفت » با تلخیص و تصرف .

2- . « إِنَّهُ كَانَ يَسْتَحِبُّ الْوَصِيَّةَ بِالْخُمْسِ » . مستدرک الوسائل ، ج 7 ، ص 281 .

3- . « قَدْ قَدِمَ قَوْمٌ مِنْ خُرَاسَانَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) فَسَأَلُوهُ أَنْ يَجْعَلَهُمْ فِي حِلٍّ مِنَ الْخُمْسِ فَقَالَ (علیه السلام): ... لَا نَجْعَلُ لَنْجَعَلُ لِأَحَدٍ مِنْكُمْ فِي حِلٍّ . » وسائل الشیعه ، ج 6 ، ص 376 .

4- . « فِيمَا وَرَدَ عَلَى الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعَمَرِيِّ فِي جَوَابِ مَسَائِلَ إِلَى صَاحِبِ الدَّارِ (علیه السلام): أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ مَنْ يَسْتَحِلُّ مَا فِي يَدِهِ مِنْ أَمْوَالِنَا وَ يَتَصَرَّفُ فِيهِ تَصَرُّفَهُ فِي مَالِهِ مِنْ غَيْرِ أَمْرِنَا فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مَلْعُونٌ وَ نَحْنُ خُصَمَاؤُهُ . » اکمال الدین ، ص 287 .

اهل بیت (علیهم السلام) خمس را به کسی نبخشیده اند و کسی که در یک درهم از آن بدون اجازه تصرف کند - آن چنان که در مال خود تصرف می کند - ملعون است. امام رضا (علیه السلام) در فضیلت و برکت خمس می فرمایند :

« پرداخت خمس ، کلید روزی و مایی پاک شدن از گناهان است و چیزی است که برای روز نیازتان (یعنی قیامت) ذخیره می کنید » .

[\(1\)](#)

5- اهتمام به برگزاری مجالس اهل بیت (علیهم السلام)

برگزاری روضی امام حسین (علیه السلام) در دهه اول محرم همراه با پذیرایی صبحانه به مدت چند ساعت و اطعام در اعیاد مذهبی به خصوص عید بزرگ غدیر خم به شدت مورد اهتمام معظم له بود . ایشان صندوقچی مخصوصی داشت که هر بار مبلغی را به نیت اهل بیت (علیهم السلام) در آن پس انداز می نمود و در مناسبت ها از جمله روضی اباعبدالله (علیه السلام) از آن خرج می کرد . البته این کار برای ایشان که زندگی طلبگی داشته و از جای دیگری در آمدی نداشتند بسیار

ص: 45

1- . « إِنَّ إِخْرَاجَهُ مِفْتَاحُ رِزْقِكُمْ وَ تَمَحِیْصُ دُنُوبِكُمْ وَ مَا تُمَهِّدُونَ لِأَنْفُسِكُمْ لِيَوْمِ فَاقَتِكُمْ » وسائل الشیعه ، ج 6، ص 375.

مشکل بود ولی شدت علاقی او به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) و اهتمام شدیدی که به زنده‌نگه داشتن یاد ایشان و ترویج فرهنگ ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) داشتند سختی‌ها را بر ایشان هموار می‌نمود.

اهتمام ایشان به اقامی مجالس اهل بیت (علیهم السلام) و اصرار به هزینه کردن در این راه، هرگز به معنای غفلت از امور منزل و مخارج زندگی نبود؛ چرا که ایشان سعی می‌کرد با مدیریت صحیح هر دورا به شیوه‌ای نیکو انجام دهد و معظم له اهل افراط و تفریط نبودند. ایشان تمام تلاشش را می‌کرد تا با حداقل شهریه و درآمد، حداکثر کاری را که می‌تواند، برای اهل بیت (علیهم السلام) انجام دهد گرچه برایشان سختی داشت، و این درس و اتمام حجتی است برای ما و نسل امروز که نسبت به خاندان وحی و حقی که بر گردن ما دارند کوتاهی نکنیم.

البته در این مسیر کارهای کوچک هم که با اخلاص انجام شود بسیار ارزشمند خواهد بود و نباید کسی که از تمکن کمی برخوردار است مأیوس شده کار خود را کوچک بشمارد. مهم این است که هر کسی به قدر توان، هر کاری می‌تواند انجام دهد.

زمانی برای گزارش عملکرد غدیرستان به همراه چند نفر از فعالین، خدمت یکی از مراجع معظم تقلید در قم رسیدیم. با توجه به این که خدمت دوستان در موضوع غدیر، در مقدار و ظاهرهای متفاوت بود، آن عزیز فرمودند:

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می فرمایند: ما در محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودیم. اصحاب هم حضور داشتند. سه نفر با هم آمدند و هر کدام به ترتیب 5، 50 و 500 سکه به عنوان هدیه تقدیم نمودند. حضرت فرمودند: هر سه نفر شما به یک میزان نزد خداوند اجر و پاداش دارید.

در آن لحظه بین این سه نفر و اصحاب، این سؤال پیش آمد که چگونه چنین است در حالی که مبالغ متفاوت است!؟

حضرت فرمودند: زیرا هر کدام از شما یک دهم از دارایی اش را آورده و میزان سختی کار برای هر سه یکسان بوده است.

آری! میزان و مقدار بذل و بخشش ها و پاداش بر اساس این است که هر شخص نسبت به تمام ظرفیتش چه مقدار برای اهل بیت علیهم السلام به میدان آمده است؛ لذا مقدار کمک یک کارگر ساده و فقیر به دستگاه امام حسین (علیه السلام) را نسبت به کل دارایی اش می سنجند و همچنین مقدار بذل و بخشش و انفاق یک تاجر را نسبت به کل دارایی اش می سنجند نه به کمیت و مقدار کمک کردنش. اینجاست که در قیامت، رتبه ها بسیار متفاوت از آن خواهد بود که شاید در اذهان بعضی هاست.

6- توجه به نیازهای مردم

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) در مورد رسیدگی به امور مردم و برآورده کردن نیاز و رفع مشکلاتشان سفارش و تاکید زیادی صورت گرفته است. تا جایی که محبوبترین فرد نزد خداوند را سودمندترین ایشان

و برای گره گشایی از مردم ثواب یک عمر عبادت(2) و فضیلتی بیش از هزار حج مقبول(3) ذکر شده و عمل او مانند به خون غلتیدن مجاهد در بدر و اُحد شمرده شده است. (4) و این که خداوند یاریگر بنده اش است مادامی که بنده یاریگر دیگران باشد. (5)

مرحوم حاج شیخ محمدباقر(قدس سره) از دوران کودکی و نوجوانی در محضر پدر بزرگوار و مادر با فضیلتشان در کنار دیگر دروس ، درس انفاق و گذشت را فرا گرفته و به این کمال اخلاقی آراسته شده بودند . از ویژگی های بارز مرحوم پدر در دوران حیات ، رسیدگی به محرومان و گره گشایی از ایشان بود و برای این کار اهتمام ویژه ای داشتند . حتی امروز گاهی که بنده در زادگاه ایشان (آذرخواران) حاضر می شوم ریش سفیدان محل ، از ایشان و خدماتشان یاد کرده و برایشان طلب مغفرت می کنند . و چه چیز برای مؤمن بهتر است از نام نیکی که از او باقی بماند .

کاشکی قیمت انفاس بدانندی خلق

تا دمی چند که مانده ست غنیمت شمرند

گل بی خار میسر نشود در بستان

گل بی خار جهان مردم نیکوسیرند

ص: 48

- 1- . بحار الانوار ، ج 73 ، ص 339 .
- 2- . همان ، ج 74 ، ص 302 .
- 3- . همان ، ج 72 ، ص 285 .
- 4- . تحف العقول ، ص 223 .
- 5- . بحار الأنوار ، ج 74 ، ص 312 .

7- اهتمام به بیان احکام و پاسخگویی به سؤالات شرعی

به فتوای مراجع عظام تقلید، یاد گرفتن احکام شرعی مورد ابتلا بر هر مکلفی واجب است. اما مکلفین، احکام شرعی خود را از کجا یاد می‌گیرند؟ یکی از روش‌های سنتی و بسیار مؤثر از قدیم الایام، آموزش احکام بر روی منابر در مساجد و حسینیه‌ها بوده است. منبری‌های قدیم مقید بودند در ابتدای منبر یک یا چند فرع فقهی را برای شنوندگان تبیین نموده سپس به ارائه منبر خود پردازند.

امام صادق(علیه السلام) در فضیلت این کار فرمودند:

«فرا گرفتن یک حدیث درباری حلال و حرام از شخصی راستگو، برای تو بهتر از دنیا و زر و سیم‌های آن است» (1). مرحوم حاج شیخ محمدباقر جزو آن دسته از منبری‌ها بود که بر این سنت حسنه تاکید و اصرار داشت و آن را وظیفی شرعی خویش می‌دانست تا جایی که حتی گاهی نیمی از وقت منبر را صرف بیان احکام می‌نمود. با این روش اگر مخاطبی در مسئله‌ای ابهام داشت در همان لحظه می‌پرسید و ابهامش برطرف می‌شد و این شیوه در آموزش احکام به عموم مردم بسیار کارآمد بود، اگرچه امروزه کمرنگ شده و کمتر مورد توجه اهل منبر قرار می‌گیرد.

ص: 49

در مورد خصوصیت منبرهای معظم له از آقای حاج عباسعلی رضایت سؤال کردم فرمودند :

« منبر ایشان ویژگی های خاصی داشت ؛ ابتدا بیان احکام بود که مفصل و به صورت دقیق بیان می شد و برای همه مردم قابل فهم بود . سپس بیان احادیث اعتقادی و اخلاقی مطابق با موضوع منبر و به صورت دلنشین بود . و در پایان ، سوق دل ها به سوی کربلا و ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) بود آن هم با حال و هوای خاص معنوی و اشک چشمی که ایشان داشتند. مردم نیز با حوصله و توجه خاص ، منبرها را دنبال می کردند . »

اهتمام ایشان به منبر و بیان احکام در حدی بود که در سفر حج واجب با این که به عنوان زائر مشرف شده بودند در جوار پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه بقیع (علیهم السلام) به ایراد سخن ، مسئله گویی و روضه خوانی برای زائرین می پرداختند . در سفر عتبات نیز روی معظم له همین بود . ایشان سفرهای زیارتی از جمله حج تمتع و عتبات را با کاروان خادم الزوار ، جناب آقای حاج محمد ارشدی که خود مداح اهل بیت (علیهم السلام) و از دوستان پدر بودند همراه می شدند .

آقای ارشدی بیش از 40 سال است که توفیق خدمت به زائرین خانی خدا و عتبات را دارد . ایشان می گوید : در ایام جوانی به هر نحوی بود هزینی سفر حج را فراهم کردم و با کاروانی به سرپرستی

ص: 50

مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمود میرهندی (قدس سره) مشرف شدم . آنجا در مقام ابراهیم از خداوند خواستم چهل سفر زیارت خانه اش را نصیبم کند تا بتوانم به زائرینش خدمت کنم . پس از بازگشت دعایم مستجاب شد و سرپرست زائرین خانی خدا شدم و تا کنون بیش از چهل بار توفیق زیارت کعبه و خدمت به زائرینش را داشته ام .

8- زهد و قناعت

امام سجاد(علیه السلام) فرمودند: «رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛ همه خوبی ها را در بریدن طمع از آنچه در دست مردم است دیدم» . (1)

مرحوم حاج شیخ محمدباقر از آن دسته افرادی بود که تحت هیچ شرایطی نگاهش به غیر خدا نبود . قناعت پایبندی اساسی زندگی ایشان و زهد و بی رغبتی به دنیا سرلوحی برنامه سلوکی ایشان بود . همسر و فرزندان ایشان نیز این ساده زیستی و کم توقعی را که توأم با آرامش و صفا و صمیمیت بود پذیرفته بودند و چشم داشتی به کسی یا جایی نداشتند . در سختی ها و گرفتاری ها تنها ملجأ ایشان ، توکل به خدا و توسل به اهل بیت(علیهم السلام) بود و با همین شیوه بر مشکلات فائق می آمدند .

ص: 51

در سال 1350 شمسی کنار مسجد امام موسی کاظم (علیه السلام) خانی نسبتاً کوچکی خریداری نمودند و بنا بر اقامی نماز در سه نوبت در همان مسجد را داشتند که مقداری بدهکار می شوند ولی به کسی بروز نمی دهند .

معظم له برای بنده نقل فرمودند :

« آن موقع مقروض شدم و کار برایم سخت شد . می دانستم چاری کار توسل به اهل بیت (علیهم السلام) است ؛ بنابراین توسلاتی پیدا کردم . طولی نکشید که یکی از اساتید که از احوالم پرس و جو کرده بود به سراغم آمد و مبلغی را به من هدیه کرد . آن مبلغ دقیقاً برابر میزان بدهکاری من بابت منزل بود . این در حالی بود که بنده از میزان بدهکاری خود به کسی چیزی نگفته بودم . »

9- مداومت بر زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام

با این که زیارت عاشورا از امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) نقل شده است اما در واقع ، این زیارت از جانب خداوند متعال نازل شده و از احادیث قدسی است . چنان که مرحوم حاج شیخ عباس قمی (رحمه الله) در مفاتیح الجنان از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت از پدر بزرگوارش و ایشان از اجداد طاهرینش و آنان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و آن حضرت از جبرئیل و جبرئیل از خداوند متعال نقل می کنند حضرت احدیت به ذات مقدس خود قسم خورده که هر کس امام حسین (علیه السلام) را با این زیارت ، از دور یا نزدیک زیارت کند ، زیارت او را می پذیرم ،

ص: 52

خواهش و حاجت او را برآورده کرده ، رستگاری در بهشت و آزادی از جهنم را به او عطا می کنم و شفاعت او را در حق هر کس که بخواهد می پذیرم .

مرحوم حاج شیخ محمدباقر ، نه تنها خود مقید به قرائت زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام بودند ، بلکه بارها به گرفتاران توصیه می کردند برای رفع گرفتاری خود ختم چهل روزی زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام را بردارند و می فرمودند :

« مداومت بر زیارت عاشورا و توسل به حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) در زندگی حال و آینده اثرات زیادی خواهد داشت تا جایی که این برکات در فرزندان و نسلِ شخص تا قیامت باقی می ماند » .

شاید مهم ترین مستحبی که در طول زندگی ایشان با دید و جوب ، استمرار داشت و ترک نمی شد زیارت عاشورا همراه با صد لعن و صد سلام بعد از نماز صبح بود . ایشان برای تشویق بنده و دیگران به خواندن زیارت عاشورا می فرمودند : « به توفیق الهی چهل سال است که هیچ روزی این زیارت را ترک نکرده ام و گاهی شده است که روزی سه مرتبه قرائت می کنم و متوسل به آن جناب می شوم » .

مرحوم شهید دستغیب(قدس سره) نقل می کند : « یکی از علمای نجف حدود یکصد سال پیش ، در خواب ، حضرت عزرائیل را می بیند ، پس از سلام می پرسد : « از کجا می آیی ؟ »

ملک الموت می فرماید: « از شیراز، روح مرحوم میرزا ابراهیم محلاتی را قبض کردم » .

شیخ می پرسد: « روح او در چه حالی است؟ »

عزرائیل می فرماید: « در بهترین حالات و بهترین باغ های عالم برزخ؛ خداوند هزار ملک را برای انجام دستورات شیخ قرار داده است »
. آن عالم پرسید: « آیا برای مقام علمی و تدریس و تربیت شاگرد به چنین مقامی دست یافته است؟ »

فرمود: « نه! »

گفت: « آیا برای نماز جماعت و بیان احکام؟ »

فرمود: « نه! » ،

گفت: پس برای چه؟

فرمود: « برای مداومت بر زیارت عاشورا » .

نقل است که مرحوم میرزا ابراهیم محلاتی، سی سال آخر عمرش، زیارت عاشورا را ترک نکرد و هر روز که به سبب بیماری یا امر دیگری نمی توانست بخواند، نایب می گرفت . (1)

10- انس با قرآن

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: « إِنَّ أَفْضَلَكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ ؛ برترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران آموزش دهد » .

ص: 54

حضرت زهرا(علیها السلام) فرمودند :

« حُبِّ إلی مِن دُنیاکُم ثلاثٌ : تِلاوَةُ کِتابِ اللّهِ ، وَالنَّظَرُ فی وَجهِ رَسولِ اللّهِ ، وَالإِنفاقُ فی سَبیلِ اللّهِ ؛ سه چیز از دنیای شما محبوب من است : اوّل : خواندن قرآن ، دوم : نگاه کردن به چهری رسول الله (صلی الله علیه و آله) و سوم : انفاق در راه خدا » . (1)

معظم له از دوران جوانی و قبل از تشکیل خانواده به آموزش قرآن برای نوجوانان و جوانان اهتمام داشته در محلی در دشت اصفهان در مدرسی شفیعیه ، جلسی درس قرآن برگزار می کردند که در ضمن آن آموزش نماز و تصحیح حمد و سوره هم انجام می شد . در منزل نیز قرآن های تک جزیی با خط درشت تهیه کرده به تعلیم فرزندان توجه ویژه داشتند که کسی از این فیض بی بهره نماند . توصی ایشان همواره به ما فرزندان تلاوت یک جزء از قرآن و هدیی آن به حضرات معصومین(علیهم السلام) بود . البته بعضی مواقع به طور خاص نام آن معصوم را ذکر می کردند که مثلاً به فلان معصوم هدیه کنید . این موضوع مخصوص ماه مبارک رمضان نبود ، بلکه در طول سال ، هم خودشان عمل می نمودند و هم به دیگران توصیه می کردند . البته ماه مبارک رمضان و بهار قرآن که می شد رنگ و بوی دیگری پیدا می کرد و خود ایشان در این ماه حداقل چهار دور قرآن را ختم

ص: 55

می کردند . ختم اول را به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هدیه می نمودند ، ختم دوم به مرحوم پدرشان ، ختم سوم به مادر مرحومه شان و ختم چهارم را نیز معمولاً از طرف خودشان می خواندند که با توجه به اشتغالات دیگر از قبیل فعالیت های علمی و تبلیغی و سایر اعمال و ادعایی مخصوص ماه مبارک رمضان برای ایشان خالی از زحمت نبود ولی به توفیق الهی خود را مقید به انجام آن می دانستند .

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) فرمودند :

« إِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَاتَّسَعَ أَهْلُهُ وَأَصْنَاءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضَيُّ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا ؛ خَا نَه اِی كَه دَر اَن قَرَا نَ فَرَاوَا نَ خَوَا نَدَه شُود ، خَی ر اَن بَسَیَا ر گَر د د و بَه اَه ل اَن و سَع ت دَا دَه شُود و بَرَا ی اَسْمَا نِیَا ن بَد ر خَش د چَن ا ن كَه سَتَا ر گَا ن اَسْمَا ن بَرَا ی زَمِی نِیَا ن مِی دَر خَش د » . (1)

11- اهتمام عمل به دستورات طبی اهل بیت (علیهم السلام)

با توجه به این که معظم له مطالعات زیادی در زمینی طب و تغذیه اسلامی داشتند و کتاب هایی نظیر طبّ الائمه (علیهم السلام)، طبّ النبی (صلی الله علیه و آله)، طبّ الصادق (علیه السلام) و طبّ الرضا (علیه السلام) را مطالعه کرده بودند و خود را مقید به انجام دستورات ائمه (علیهم السلام) می دانستند عموماً نیازمند مراجعه به پزشک نبودند . فقط این اواخر برای انجام چکاپ به مرحوم دکتر

ص: 56

حکمتیان (رحمه الله) مؤسس آزمایشگاه مهدیه که به اهل علم و از جمله مرحوم پدر احترام ویژه ای می گذاشت مراجعه می نمودند .

یک بار که بنده همراه پدر بودم جناب دکتر حکمتیان به محض ورود معظم له از صندلی برخاستند و تا زمانی که پدر ایستاده بود ایشان روی صندلی نشستند و در هنگام خداحافظی نیز معظم له را تا دم در مشایعت نمودند .

این پزشک متعهد که از شیفتگان اهل بیت (علیهم السلام) بود و ارادت خاصی به امام زمان (علیه السلام) داشت در طول حیات خود موفق به تأسیس آزمایشگاه خیریه مهدیه شد که کمک بزرگی به قشر مستضعف در زمینی کاهش هزینه های تشخیصی می باشد .

12- براءت از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)

امام صادق (علیه السلام) فرمود :

« كَذَّبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَّبِعْ مِنْ عَدُوِّنَا ؛ دروغ می گوید کسی که ادعای محبت ما را می کند ، ولی از دشمنان ما تبری و بیزاری نمی جوید » . (1)

براءت از دشمنان خدا یک فریضی الهی است که در متن « لا اله الا الله » - که شعار اصلی اسلام است - خوابیده است . یعنی تا نفی اغیار صورت نگیرد ، اثبات توحید محقق نمی شود . این یک اصل

ص: 57

قرآنی است که خود خدا و رسولش نیز به آن عمل می کنند: « وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ » (1) در روایتی آمده است که: ایمان، دوستی اولیای خدا و دشمنی با دشمنان خدا است. (2)

امام محمدباقر (علیه السلام) فرمود:

« مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ حُبَّنَا فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ فَإِنْ شَارَكَ فِي حُبِّنَا حُبَّ عَدُوِّنَا فَلَيْسَ مِنَّا وَ لَسْنَا مِنْهُ ؛ إِنْ كَسَى بِخَوَاهِدِ مِيزَانِ دُوسْتِي خُودِ رَانَسِبْتَ بِهِ مَا بَدَانَدَ بِهِ دَلْ خُودِ مَرَاجِعَهُ كُنْدَ ؛ إِنْ مَا وَ دُشْمَانَمَانِ رَا بَا هَمِ دُوسْتِ دَارَدَ اَزْ مَا نَيْسْتِ وَ مَا هَمِ اَزْ اَوْ نَيْسْتِمِ ». (3)

حجه الاسلام مرحوم حاج شیخ محمدباقر شریفی، نه تنها قلبی مملو از عشق و محبت اهل بیت (علیهم السلام) داشت، بلکه در برائت از دشمنان ایشان و به خصوص قاتلین حضرت زهرا (علیها السلام) و غاصبین حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) بسیار عمیق و جدی بود. این مسئله به حدی در ایشان رسوخ کرده بود که در ایام غدیر ثانی و عید « فرح الزهرا (علیه السلام) » که روز به درک واصل شدن قاتل حضرت زهرا (علیها السلام) است شادی و سرور در چهری ایشان نمایان می شد. معظم له در دو روز از سال توصیه

ص: 58

-
- 1- . توبه / 3 . و این اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به همه مردم در روز حج اکبر که: یقیناً خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند .
 - 2- . میزان الحکمه ، ج 2 ، ص 944 .
 - 3- . بحار الانوار ، ج 27 ، ص 51 .

به پخت بهترین غذای موجود در منزل را داشته از حضور میهمانان بسیار خرسند می شدند؛ یکی عید الله الاکبر غدیر خم، و دیگری غدیر ثانی، روز نهم ربیع الاول بود.

از جمله ختوماتی که ایشان در ایام نهم ربیع الاول بر می داشتند ختم منقول از شیخ بهایی (قدس سره) بود. در زمان پهلوی مواقعی که کار سخت می شد برای رسیدن به حوائج و رفع مشکلات از این ختم کمک می گرفتند و این ختم از ایشان ترک نگردید.

همین روش ایشان باعث شد درس برائت در خانواده و نسل ایشان به عنوان اعتقادی راسخ ریشه کرده و به یادگار بماند تا جایی که امروز کودکان خردسال از نسل ایشان نسبت به خلفای غاصب و قاتلین حضرت زهرا (علیها السلام) اظهار تنفر و بیزاری دارند.

امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمود:

« طُوبَى لِّشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنا فِي غَيْبِهِ قَائِمِينَ (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ) ، الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أَوْلِيكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ ؛ خوشا به حال شیعیان ما در زمان غیبت قائم ما (علیه السلام) که به ریسمان ما تمسک بسته اند و بر موالات ما و بیزاری از دشمنان ما ثابت قدم مانده اند . آنان از ما هستند و ما از ایشانیم » . (1) گرچه معظم له در زمان حیات ، اهتمام زیادی به اظهار برائت و خصوصاً برداشتن ختم

ص: 59

1197 مرتبه (1) لعن بر غاصبین حق امیرالمؤمنین (علیهالسلام) داشتند و نسبت به قاتلان حضرت زهرا (علیها السلام) و شهادت حضرت محسن (علیه السلام) بی تفاوت نبودند ، اما پس از وفات در عالم رؤیا با حالتی متفاوت تر و با بیانی محکم می فرمودند : « شما نمی دانید اینها چقدر فاسد بودند و چه ظلم هایی کردند ، اینها مرکز نفاق و شرک بودند » .

آری ! پرده ها که برداشته می شود ، جنایات و ظلم و ستم های غاصبین ولایت برای مؤمنین آشکارتر می شود . بعد از رحلت ایشان در شب نهم ربیع الاول که مصادف با شب جمعه بود ، تصمیم گرفتم به تنهایی و بدون این که در بین ختم شیخ بهایی (قدس سره) کلام یا فعل اضافه ای انجام شود مشغول به این مهم شده و حضرت

ص: 60

1- . یکی از ختومات و طرق معتبر ختم لعن که بعضی از ثقات آن را نقل کرده اند ، لعن چهار ضرب یا هفت ضرب است که به این شیوه انجام می شود : 1197 سنگ ریزه را به صورت دسته های صدتایی (11 دسته 100 تایی و یک بسته 97 تایی) قرار دهید ! جدول زیر را روی 12 عدد کاغذ یا تخته چوب یا پارچه بنویسید . لعن چهار ضرب بر اعداء الله (که مشهور است) را بر سنگ ریزه ها بخوانید و در آتش بیندازید و با تمام شدن سنگ های هر بسته ، یکی از کاغذها را داخل آتش بیندازید تا سنگ ها و کاغذها تمام شوند .

زهرا(علیها السلام)را خشنود سازم و ثواب آن را به روح پدر هدیه نمایم . به لطف خداوند حدود چهار ساعت طول کشید . گرچه حقیقت این کار و ثواب آن بر اهل علم پوشیده نیست ، اما برای خودم همان شب اثر آن ثابت گشت و با عنایت حضرت زهرا(علیها السلام)، همان شب در عالم رؤیا رضایت و خرسندی و تشکر پدر را دیدم .

در آخرین لحظات دفن پدر بزرگوارمان در امامزاده ابوالعباس(علیه السلام) پس از قرائت زیارت عاشورا و دیگر ادعیه در لحظه ورود به قبر ، جناب آقای حاج آقا مهدی غزالی از مداحان اهل بیت(علیهم السلام) دقایقی به لعن بر دشمنان اهل بیت(علیهم السلام) پرداختند و عموم حاضرین ، جواب می دادند .

بعد از رحلت ایشان خانواده ام(1) به من گفتند : « در عالم رؤیا معظم له را دیدم در حال اجرای ختم معروف شیخ بهایی(قدس سره) بودند . کنار یک منقل آتشی خاص با پایه های بلند ایستاده بودند و به ریگ ها لعن خوانده و در آتش می انداختند به من رو کرده و فرمودند : آنچه دارم از این ختم دارم » .

نکته مهم و اکسیر اعظمی که شاید از آن غافل باشیم این است که هرگاه انسان بر بزرگی وارد شود اگر همان ابتدا از دشمنان او نفرت و بیزاری بجوید و بگوید من با دشمنان تو کاری ندارم ، مشمول لطف خاص آن بزرگوار گرفته و سبب خرسندی او خواهد شد . بی شک در واپسین لحظاتی که مؤمن دارد بر خداوند متعال وارد می شود و نیازمند تلقین است ، اظهار برائت اطرافیان از دشمنان حق

ص: 61

1- . همسر مؤلف ، صبیئه مرحوم حاج مصطفی ثقفی نیا (ره) .

به نیابت از میّت ، ولعن و نفرین ایشان بر دشمنان خدا می تواند نجات بخش و کارگشا باشد همان گونه که محبت اهل بیت(علیهم السلام) نجات دهنده است .

بنده در چهارم مرداد 1393 (28 رمضان المبارک 1435 ه . ق) در شهر مقدّس قم در تشییع جنازی استاد قرآن و مباحث امامت ، مرحوم حاج محمدرضا فریدونی

ای، هیچ جوابی ندارم که بدهم. به فکر افتادم که در راه یاری اهل بیت (علیهم السلام) و اثبات ولایتشان گامی بردارم « (1). بحار الانوار، ج 27، ص 58.

13- تکریم سادات و اهل علم

امام علی (علیه السلام) فرموده اند: « مَنْ وَقَّرَ عَالِمًا فَقَدْ وَقَّرَ رَبَّهُ؛ کسی که عالمی را احترام کند، پروردگارش را احترام کرده است » (2). مرحوم حاج شیخ محمدباقر، احترام زیادی به سادات می گذاشتند به خصوص اگر طلبه یا اهل علم بودند. ایشان احترام به سادات را ادب و احترام به ساحت مقدس حضرت زهرا (علیها السلام) می دانستند. مرحوم آیت الله حاج سید عطاء الله فقیه امامی (قدس سره) و همچنین فرزندان ایشان

ص: 63

1- که انصافاً چهل سال خدمت به مکتب امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در نامه عمل خود داشت و حسن خلق او و تربیت شاگردانش زبانزد خاص و عام در مؤسسات امامت قم بود شاهد بودم از موقعی که جنازی ایشان را از زمین بلند نمودند در تمام مراحل، لعن و براءت ترک نمی شد و حتی در لحظه دفن حدود یک ساعت با حضور جمعیت حاضر طبق وصیت ایشان مردم به لعن کردن و براءت از قاتلین حضرت زهرا (علیها السلام) و غاصبین حق مولا مشغول بودند. آری! آنان که به گوشه ای از ظلم و ستم رفته بر اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و همسر گرامیشان پی برده و در طول عمر برای مظلومیشان اشک غم ریخته باشند غیر از این هم وصیت نخواهند کرد. ان شاء الله مؤمنین و مؤمنات نیز این گونه عمل کنند. بنده آرزو دارم در آن لحظات سخت مرا نیز از این فیض بهره مند نموده و مؤمنین، ذکر لعن بر دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) را توشه راهم نمایند. امام رضا (علیه السلام) فرمود: « كَمَالُ الدِّينِ وَلَا يَتُّنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا؛ کمال دین، در ولایت ما و بیزاری از دشمنان ماست ».

2- . غرر الحکم، ج 1، ص 632.

مرحوم آیت الله حاج سید احمد فقیه امامی (قدس سره) و مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره) و همچنین مرحوم آیت الله شهید شمس آبادی (قدس سره) نزد ایشان به شدت محترم بودند .

شنیدن روضه حضرت صدیقه طاهره (علیها

السلام) از زبان سادات برای ایشان حال و هوای دیگری داشت و برای مجلس روضه خوانی منزل ، بیشتر از سادات استفاده می کردند و در احترام به سادات سعی می نمودند همراه با محبت باشد و این محبت را آشکار می کردند تا دیگران را نیز متوجه این موضوع نمایند . به خصوص اگر از اساتید معظم له بودند این احترام همراه با خضوع بیشتر و حتی خم شدن و بوسیدن دست آن ها بود گرچه معمولاً اساتیدشان اجازی چنین کاری رانمی دادند . مرحوم آیت الله سید ابوالفضل جزایری (رحمه الله) نیز که در محلی در دشت زندگی می کردند به شدت مورد احترام پدر بودند .

مرحوم حجت الاسلام سید محمد بنی لوحی (رحمه الله) نیز از سادات روضه خوان مورد علاقه مرحوم پدر بود که از ایشان برای روضی منزل دعوت می کرد و ایشان با صدای رسا و حال و هوای خاصی روضه می خواندند . جناب حجت الاسلام سید محمد فقیه امامی فرزند مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره) در عظمت این سید روضه خوان می فرماید :

« پدرم مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره) معمولاً در یکی از مراسم بزرگداشتی که برای علما و طلاب می گرفتند شرکت می کردند ، مثلاً یا تشیع یا مراسم هفت یا چهلم . اما در همه

مراسم رحلت مرحوم بنی لوحی شرکت کردند . وقتی علت را جويا شدم فرمودند : شبي که قرار بود فردای آن روز ایشان تشييع شود در عالم خواب ديدم مردم در حال تشييع پيکر ایشان هستند و در بين جمعيت حضرت بقيه الله الاعظم - روحی فداه - در حال مشايعت اين سيد روضه خوان است . بنابراین ، خود را موظف دانستم برای ایشان سنگ تمام بگذارم . « احترام به اساتيد به طور کلی (سيد و غير سيد) ويژگي بارز پدر بود . یک روز ، بنده همراه ایشان به عيادت مرحوم آيت الله حاج شيخ حيدر علی محقق (قدس سره) [\(1\)](#) رفتيم . دو زانو و مؤدب نشستن پدر در برابر استاد و خاضعانه سخن گفتن ایشان در برابر آيت الله محقق برای بنده درس عملی و فراموش نشدنی بود . حتی به بنده نیز اشاره می کردند که ادب را

ص: 65

1- . آيت الله شيخ حيدر علی محقق متولد 1293 شمسی در آدرمناباد (محسن آباد) از روستاهای منطقی برخوردار . ایشان از محضر بسياری از بزرگان کسب فيض نموده و از آيت الله العظمی سيد ابوالحسن اصفهانی اجازي اجتهاد داشت . ارادت قلبی ایشان به اهل بيت (عليهم السلام) عجيب و منابر ایشان مورد توجه صغیر و کبير بود و تشرّفي هم خدمت امام زمان (عليه السلام) داشتند . معظم له در اصلاح امور مردم سعی بليغ داشت و حتی در منزل هم ياریگر همسر بود و پنجاه سال از او پرستاری کرد . ایشان تقریرات برخی اساتيد خویش را ثبت و ضبط نموده بود ، لکن در حادثه آب گرفتگی منزل به سال 1365 شمسی اين آثار و بسياری از آثار قلمی و کتاب های ایشان از بين رفت . آرامگاه اين عالم فقيد در کنار بقعه صاحب بن عباد است . (سايت چشم برخوردار) .

رعایت کنم . معظم له احترام زیادی برای مرحوم آیت الله ادیب(قدس سره)(1) و آیت الله خادمی(قدس سره) قائل بودند . روزی در مدرسی علمیه وقتی استاد بزرگوارش آیت الله خادمی(قدس سره)(2) در حیاط مدرسه حضور داشتندبا احترام ، بنده را به

ص: 66

1- . فقیه و اصولی ، حکیم ، ادیب و شاعر ، ریاضی دان و منجم ، محقق ، صاحب زهد و تقوا ، شیخ العلماء ، آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب ، متوفای ذی الحجّه 1412 قمری و از چهره های مبرز و جامع و از مفاخر حوزه علمیه اصفهان در نیمه دوم قرن چهاردهم می باشد که نزدیک به یکصد سال در این جهان زیسته و صاحب تألیفات متعدد و متنوع است . ایشان از بزرگانی چون آیات عظام : آقا سید ابوالحسن اصفهانی ، و آقا سید محمد حجّت کوه کمره ای ، و آقا سید محمد نجف آبادی و آقا شیخ محمدرضا نجفی ، و آقا شیخ محمدحسین فشارکی اجازی اجتهاد داشت . قریب هفتاد سال تدریس در حوزه علمیه در علوم مختلف آن هم گاهی تا سیزده درس در یک روز ، از افتخارات و توفیقات این عالم مقاوم و سخت کوش است . بدن مطهر ایشان در جوار مرقد صاحب بن عبّاد به خاک سپرده شده است . (برگرفته از کتاب : ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان ، ص 623 - 624 .)

2- . فقیه اصولی ، مجتهد نامدار ، زعیم مجاهد و مبارز خستگی ناپذیر در برابر طاغوت ، مرحوم آیت الله حاج آقا حسین خادمی متوفای 1405 قمری فرزند آقا سید ابوجعفر خادم الشریعه از چهره های نامدار علمی و اجتماعی حوزه علمیه اصفهان در نیمه دوم قرن چهاردهم است . ایشان در نجف از بزرگانی چون : میرزای نائینی ، آقا ضیاء الدین عراقی ، آقا سید ابوالحسن اصفهانی ، آقا سید ابوتراب خوانساری و آقا شیخ محمدجواد بلاغی کسب فیض نموده در سن 26 سالگی حائز رتبه اجتهاد گردیده است . تألیفات مرحوم آیت الله خادمی بیشتر در فقه و اصول و کلام می باشد و علاوه بر تدریس فقه و اصول ، مدرس علوم عقلی برای حوزویان و دانشگاهیان بودند . در دوران مبارزه برای سرنگونی حکومت پهلوی ، منزل ایشان سنگر مبارزه و امضای ایشان در صدر امضاها بود . تاسیس بیمارستان عسکریه ، انجمن مددکاری امام زمان(علیه السلام)(مخصوص ایتم) و انجمن خیریه معلولین صادقیه ، و بسیاری دیگر از مدارس و مساجد از برکات وجودی ایشان است . (برگرفته از کتاب : ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان ، ج 1 ، ص 425423 .)

محضر ایشان معرفی نمودند و به صورت عملی نحوی برخورد با استاد را به بنده تعلیم دادند .

استفاده از محضر آیت الله شهید شمس آبادی (قدس سره) (1) و شرکت در جلسات آن بزرگوار و دیگر بزرگان از جمله آیت الله حاج آقا سید عطاء الله فقیه امامی (قدس سره) (2) و دو فرزند فقیدشان

ص: 67

1- . فقیه و مجتهد زاهد و عالم مجاهد ، آیت الله آقا سید ابوالحسن شمس آبادی (آل رسول) (شهید در سال 1396 قمری) ، نه تنها عالمی متنفذ در حوزه علمیه و شخصیتی مورد احترام در میان علماء و فضلاء و طلاب بود ، بلکه به مناسبت حالات روحی و خدمات اجتماعی و دینی فراوان ، مورد توجه شدید عموم مردم و نیز مراجع عالی قدر تقلید قرار داشت . محبت شدید نسبت به اهل بیت علیهم السلام و بالأخص سید الشهداء (علیه السلام) ، مزایای اخلاقی فوق العاده ، مبارزه با مخالفین مکتب تشیع ، اقدام در تأسیس و توسعه مراکز خیریه مانند حسینیه اصفهانی ها در کربلا و مشهد ، توجه به نیازمندان و دستگیری از مستمندان و اعزام مبلغ به روستاهای مختلف در سطح کشور از ویژگی های بارز ایشان بود . شهادت این سید بزرگوار آن چنان شور و هیجانی به پا کرد که در بیشتر شهرهای ایران و حتی نجف اشرف تا چهل روز مراسم عزاداری و بزرگداشت و دسته جات سینه زنی بر پا می شد . مرقد مطهر و باشکوه این عالم فرزانه در تکی شهدا در قبرستان تخت فولاد و در خیل شهیدان ، زیارتگاه خاص و عام است . (برگرفته از : کتاب ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان ، ج 1 ، ص 612 - 614) .

2- . مرحوم آیت الله ، حاج سید عطاء الله فقیه امامی (فرزند آقا سید محمد درب امامی) ، متوفای 1387 قمری ، از شاگردان : آقا شیخ محمّد درضا مسجدشاهی ، آقا سید محمدباقر و آقا سید مهدی درچه ای ، در اصفهان ، و نیز : آقا ضیاء الدین عراقی ، آقا سید محمد فیروزآبادی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی در حوزه نجف بوده ، و از بزرگانی چون : آقا شیخ محمّد درضا مسجدشاهی ، آقا ضیاء الدین عراقی ، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی مفتخر به دریافت اجازت اجتهاد گردید . معظّم له در مدرسی نیم آور ، فقه و اصول و دیگر علوم حوزوی را تدریس می نمود . (ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان ، ج 1 ، ص 400) .

1- . عالم جامع ، و استاد عظیم الشان ، و مدافع حریم ولایت ، مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد فقیه امامی ، در تاریخ 17 ربیع الاول 1352 قمری برابر با 1312 شمسی ، همزمان با سالروز میلاد مبارک خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) و امام صادق (علیه السلام) ، در خاندانی اهل علم و با فضیلت پا به عرصی وجود گذاشت . مرحوم آیت الله امامی چهره ای مبرز و شخصیتی جامع علم و عمل و اخلاق بودند ، و در سنگرهای تدریس و تألیف و خطابه و محراب ، آثاری برجسته در راه حفظ و حراست از دین و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) ، از خود به جای گذاشتند ، و برای حوزه علمیه و شهر تاریخی و مذهبی و با ولایت اصفهان ، افتخاری بزرگ به شمار می آیند . مرحوم آیت الله امامی ، در مدرسه نیم آور و مسجد سه راه نیم آور و مسجد بابا محمد علی سقا (معروف به مسجد امامی) و ... ، تدریس می نمودند ، و در زمینه های فقه و اصول و حکمت و تفسیر و حدیث (شرح بحار الأنوار و نهج البلاغه و ...) و درایه و اخلاق ، جمع زیادی از فضلاء و طلاب حوزه علمیه را بهره مند می نمودند . (ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان ، ج 2، ص 217) . در این جا به فهرستی از آثار قلمی و تألیفات آن بزرگمرد اشاره می نماییم : تقریرات درس فقه مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج آقا حسن طباطبائی بروجردی ، تقریرات درس فقه (مکاسب محرّمه و بیع) ، مرحوم آیت الله العظمی خمینی ، تقریرات درس اصول مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج آقا روح الله موسوی خمینی (مباحث الفاظ و مبحث قطع و ظن و اصول علمیه) ، تقریرات درس اصول مرحوم آیت الله آقای سید محمد محقق (داماد) ، تقریرات درس اصول حضرت آیت الله آقای سلطانی ، تفسیر سوره حمد و سوره بقره ، دو جلد عربی ، تفسیر سوره آل عمران (عربی) ، تفسیر سوره نساء تا آیه 133 ، روش رهبران انقلابی ما ، اقتصاد ، به صورت سؤال و جواب ، چرا جمهوری اسلامی؟ ، قرآن و تعهدات واقعی انسان ، انسان از دیدگاه قرآن ، نکته هایی از روایات راجع به فاطمه زهرا علیها السلام ، نظرات علمی و دینی و سیاسی و اجتماعی علی (علیه السلام) در نهج البلاغه ، رساله ای در شرح خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام (ناتمام) ، عقائد اصیل شیعه یا اسلام واقعی ، جنگ در نظام کامل و حیات بخش اسلامی ، تفسیر سوره یوسف (ناتمام) ، تحفه الفقیه (درباره امام زمان (علیه السلام)) اخلاق در قرآن ، ردّ بر افکار دکتر شریعتی ، سؤال ها و پاسخ ها ، رساله ای در وجود رابط ، رساله ای در فن خطابه ، مبارزه و راه آن در قرآن ، سفرنامه سوریه در سال 1351 شمسی ، بررسی وضع جغرافیائی و اقتصادی و دینی و سیاسی کشورهای اسلامی ، رساله ای در پدیده حیات ، انقلاب در پرتو وحی ، رساله ای درباره جاسوسی ، شناخت خط انقلابی حضرت مهدی (علیه السلام) ، فرازهایی از دعاهای صحیفه سجاده (علیه السلام) ، تشبیهات و تمثیلات قرآن (ناتمام) ، رساله ای در ردّ افکار کمونیستی ، سؤال ها و پاسخ های جلسات مؤسسه دینی و علمی احمدیه (علیه السلام) در سال 1358 قمری ، رساله ای درباره رساله الحقوق امام سجاد (علیه السلام) ، رساله ای درباره تمایلات متضاد ، رساله ای درباره معراج جسمانی ، رساله ای درباره توارت و انجیل ، رساله ای در بیع ، حج و کعبه ، روحانیت و تبلیغ اسلام ، شرح نامه امام (علیه السلام) به مالک اشتر ، پیروزی مظلوم های تاریخ 4 جلد ، نمونه ای از راهنمایی های امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، انقلاب های اسلامی ، شناخت راه های زندگی ، خدمات ائمه اطهار (علیه السلام) ، قیامت ، انسان از دیدگاه قرآن ، پی آمدهای انقلاب ، فرهنگ استعماری و فرهنگ اسلامی ، چگونه باید زیست ، عوامل انحراف در جامعه و راه مستقیم ، انقلاب ارزش ها = تضادها (بحثی درباره روایت 14 از باب عقل و جهل کافی) ، تفسیر جزء آخر قرآن ، شیطان در خانه ما ، مبارزه مکتب تشیع با انحرافات ، اخلاق در جنگ ، بازگشت به اسلام تنها راه مبارزه با استعمار ، چگونه باید با فساد مبارزه کرد؟ چه کنیم که به رشد واقعی برسیم؟ (سنت تغییر) ، ولایت و امامت از دیدگاه قرآن ، وظائف مردم در زمان غیبت ، شیعه تنها گروه نجات یافته ، معاد ، قواعد و فوائد درایه و رجال ، فرهنگ واژه های علمی ، اجتهاد و تقلید ، فهرست کتاب های خطی کتابخانه الزهرا علیها السلام ، شرح دعا عرفه . (برگرفته از کتاب یادواره آیت الله فقیه امامی ، به قلم: آیت الله میر سید حجت موحد ابطحی حفظه الله ، ص

27-23). وفات این عالم عامل در تاریخ دهم جمادی الثانی 1414 قمری در اصفهان اتفاق افتاد و در امامزاده ابوالعباس (علیه السلام) خوراسگان به خاک سپرده شد. شرح حال جامع، و نسبتاً مفصّل آن بزرگمرد را، آیت الله میرسید حجت موحد ابطحی حفظه الله، در کتاب مستقلّی به عنوان (یادواره مرحوم آیه الله فقیه امامی) در دوست صفحه همراه با تصاویر زیبا و رنگی به زیور طبع آراسته اند.

1- . عالم جلیل القدر مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی 1 فرزند دیگر آیت الله سید عطاء الله فقیه امامی را باید از زمره دانشمندانی دانست که در امر تألیف و تصنیف بسیار موفق بوده اند. تالیفات چاپ شده و چاپ نشدی معظم له عبارتند از: پاسخ به شبهاتی پیرامون خمس (2 جلد)، نقش عقل در احکام الهی، آیا فهم قرآن آسان است؟!، صراط مستقیم، فتنه ها از کجا آغاز می شوند؟، مباحثی پیرامون بهائیت، شرح فرازهایی از خطبه حضرت زهرا علیها السلام (سخنرانی های فاطمیه 1425 قمری)، رساله ای در لقاء الله، سنن الهی، رساله ای در امامت، رساله ای پیرامون فدک، مباحثی در اثبات وجود امام زمان ارواحنا فداه و رفع اشکالات مخالفین، رساله ای پیرامون قیامت (عربی)، شرح نبراس الهدی ملاهادی سبزواری (قسمت حج)، تنظیم العروه (تا آخر کتاب الزکاه، به شکل آموزشی)، تقسیم بندی مسائل حج به صورت نموداری، شرح زندگانی و خاطراتی از علماء معاصر، رساله ای در فلسفه حج، تقریرات درس هیئت مرحوم مجد العلماء نجفی، ایدئولوژی اسلامی، تفسیر سوره یوسف، الامثال فی الروایات (اربعون حدیثاً)، رساله ای راجع به صحابه، رساله ای درباره ام کلثوم، پاسخ به استدلالیه میرزا نعیم (ردی بر بهائیت)، رساله ای در رد افکار بعضی از روشنفکران، عرفان در اسارت شیطان، رساله ای در مقام شهید، پاسخ به بعضی از شبهات (حدود سی شبهه)، رساله ای در شرح حال و زندگانی اساتید و مشایخ اجازه و بیش از صد مقاله در موضوعات مختلف (فارسی و عربی). اهتمام ویژه ایشان به احیاء آثار مکتوب عالمان دینی ستودنی بود. مطالع الانوار (6 جلد)، الرسائل الرجالیه (1 جلد)، اللؤلؤه الغالیه فی اسرار الشهاده (1 جلد)، ترجمه منهج الرشاد، جامع الشواهد، یادگاری از خطبای پیشین، نگرشی بر صوفیه و صوفی ها، ترجمه جلد سیزدهم منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ترجمه کتاب «صاحب الغار ابوبکر ام رجل آخر؟!» به نام: یار غار ابوبکر یا فردی دیگر؟ و فهرست نسخه های خطی کتابخانه شخصی آیت الله فقیه امامی قدس سره از این جمله اند. ایشان مبارزی نستوه و بسان سدی مستحکم در برابر فرق ضاله و جریانات گمراه کننده بود. تحوّل در حوزه علمیّه و گسترش آن و ایجاد نظم و انسجام در فضای تحصیلی طلاب و تأسیس و احیای مدارس علمیّه، احیای موقوفات، ساخت مسکن برای طلاب و بازسازی قبور علما از دیگر فعالیت های معظم له بود. سرانجام این بزرگمرد صبح روز یکشنبه غره ربیع الثانی سال 1432 قمری مطابق با 15 اسفندماه سال 1386 شمسی ندای پروردگار را لبیک گفت. (برگرفته از کتاب: خورشید فقاقت و مرزبان امامت، صص 4 تا 8 و کتاب مرزبان امامت و ولایت آیت الله فقیه امامی، صص 46 - 48.)

مهدوی هرستانی (قدس سره) (1)، روح ادب، تقوا و تواضع را در ایشان دمیده بود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

« أَكْرَمُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ فَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ؛ دانشمندان را گرامی دارید که آنها وارثان پیامبرانند و هر که آنان را احترام نماید، خدا و رسولش را احترام نموده است. » (2)

مرحوم پدر، علاوه بر این که همواره دعاگوی اساتید خود بود و به نحو شایسته ایشان را مورد احترام قرار می داد، گاهی با کمترین هدیه در صدد تشکر از اساتید خود بود. یکی از کارهای زیبای ایشان این

ص: 72

1- آیت الله سید مصطفی مهدوی هرستانی، از علمای معاصر شیعه است. ایشان تحصیلات اولیه را در اصفهان نزد اساتید بزرگ آن زمان گذراند سپس در شهر قم از محضر آیات عظام: سید حسین بروجردی، شیخ عبد الکریم حائری، سید صدر الدین صدر، سید محمد حجت کوه کمره ای و سید محمد تقی خوانساری، بهره مند شد. در نجف اشرف نیز از محضر علمای بزرگی چون: سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، سید جمال الدین گلپایگانی، حاج سید محمود شاهرودی و... کسب فیض نمود. از جمله خدمات ایشان به عالم تشیع، چاپ و نشر قسمتی از کتاب شریف «عَبَقَاتُ الْأَنْوَارِ وَتَأْوِيلُ الْآيَاتِ الطَّاهِرَةِ» بود. وی مطالعه احوالات ائمه (علیهم السلام) را بسیار توصیه می نمود و به حق، مدافع حریم امامت و ولایت بود و در برپایی و احیاء جشن های غدیر و نیمه شعبان و تعظیم شعائر اهل بیت (علیهم السلام) خدمات شایانی نمود. ثمره چهل سال حضور ایشان در حوزه علمیه اصفهان تربیت شاگردان متعدد در حوزه بود. (به نقل از: سایت ویکی فقه منقول از بیت مرحوم آیت الله مهدوی)

2- نهج الفصاحه، ج 1، ص 238، ح 450.

بود که از درخت انجیری که در منزل داشت قلمه هایی جدا می نمود و پس از چند ماه مراقبت آنها را به اساتید خود هدیه می داد .

بیست سال قبل (سال 1379 ش) خدمت استاد اخلاق و مدافع حریم امامت و ولایت ، مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره) رسیدم . در آن جلسه یکی از علمای مشهد نیز حضور داشتند . آیت الله امامی هنگامی که خواستند بنده را به ایشان معرفی کنند یک مرتبه تبسمی نموده و با دست به درخت انجیر بزرگی که در حیاط منزل و پر از انجیر بود اشاره کرده فرمودند : « سالیان سال است ما با پدرشان انس داریم و به ما محبت دارند . این درخت یادگار ایشان است و همواره ما را به یاد آن بزرگوار می اندازد . روزی که این درخت را به بنده هدیه دادند قلمه ای در گلدان بود » .

14- ارادت خاص به علامه بزرگوار ، مرحوم محمدباقر مجلسی (قدس سره)

معظم له علاقه وافر خود را به علامی بزرگوار ، مرحوم محمدباقر مجلسی (قدس سره) و پدر بزرگوارشان ملامحمدتقی مجلسی (قدس سره) با حضور در مقبره و زیارت آن بزرگواران و هدیه نمودن قرآن و ثواب توسلات و زیارات به ایشان نشان می داد . همچنین در منابر و مجامع علمی ، از شخصیت والای علمی و معنوی علامه بسیار با ادب و احترام یاد می نمود و این عملکرد در بین مردم و جامعه مشهود بود . همسایگی منزل ایشان با مقبری علامه مجلسی (قدس سره) نیز مزید بر این ارادت و محبت گردیده بود جز در روزهای آخر عمر ،

که مرحوم پدر به خاطر بیماری، توان حضور در مقبره علامه و عرض ادب حضوری را نداشت. در همین ایام، روزی به من فرمودند: « دیشب در عالم رویا دیدم علامه مجلسی (قدس سره) با همان لباس فاخری که در عکس ایشان در مقبره است به عیادت آمده جویای احوالم شدند ». که البته این نشان از محبتی است دو طرفه که در عالم برزخ نیز اعتبار دارد.

توصیای ایشان به بنده این بود که در صورت امکان، در مقبری علامه مجلسی (قدس سره) یا در یکی از امام زادگان عظیم الشان دفن شوند. البته چون دفن در مقبره، امکان پذیر نبود در جوار امام زاده ابوالعباس (علیه السلام) (1) دفن گردیدند. بحمدالله این ارادت پدر به علامه مجلسی (قدس سره) به نسل ایشان به ارث رسیده و فرزندان ایشان با آگاهی از زحمات علامه، در حفظ آثار شیعه و ترویج تشیع همواره سر تعظیم در برابر عظمت این عالم بزرگوار فرو می آورند. بنده خودم در ابتدای هر منبر از علامه مجلسی یاد کرده و برای روح ایشان صلواتی هدیه می کنم تا هم

ص: 74

1- . ابوالعباس محمد، با چند واسطه نسبش به حضرت ابولفضل (علیه السلام) می رسد. حضرت ابوالعباس در زمان عبدالله مستکفی (بیست و دومین خلیفه عباسی که کوشش و جدیت تمام برای دستگیری بنی هاشم داشت) با جمعی از اعمام به طرف ایران آمده و در ایران متفرق شدند و ایشان به اصفهان عزیمت نمود. ابوالعباس (علیه السلام) مدتی در دکان آهنگری به شاگردی گذرانید. تا این که نسب شریفش توسط شاگرد آهنگر لو رفت و در منطقی جی گرفتار مامورین شد و به شهادت رسید. شهادت ایشان در سال 342 هـ. ق اتفاق افتاده است.

نشانگر قدردانی از مقام شامخ ایشان باشد و هم استمدادی از روح بزرگ ایشان برای پیش برد اهداف تشیع .

15- عزت نفس و رعایت حرمت لباس

اشاره

معظم له همیشه بر این عقیده بودند که لباس روحانیت یک لباس عادی نیست و مردم به این لباس چشم دوخته اند و اگر عموم مردم واجبات را انجام می دهند ما طلبه ها باید عامل به مستحبات باشیم . همچنین می فرمودند : « نباید یک طلبه شأن این لباس را پایین بیاورد و باعث ایجاد بدبینی شود . » لذا در وعده هایی که با مردم می کردند در منبر یا نسبت به حضور به موقع در مسجد در اول وقت نماز و امور مشابه بسیار مقید بودند .

ایشان بسیاری از امور مباح را به خاطر شأن لباس ترک می کردند . هرگز برای نیازهای زندگی به کسی رو نزدند و از کسی خواهشی نکردند و عزت نفس بسیار بالایی داشتند تا جایی که زندگی ایشان درس توکل و تقویض برای فرزندان و اطرافیان بود .

داستانی عجیب و کرامتی بزرگ

جناب حجت الاسلام شیخ محمد آزاد منش از ایشان نقل می کند که فرمودند : « یک بار تعدادی از اقوام بدون هماهنگی قبلی برای ظهر به منزل ما آمدند در حالی که چیزی در منزل برای تهیه ناهار نداشتیم و این باعث نگرانی و پریشانی من شد . اما از سوی دیگر باور داشتم که اربابم حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) نظر مبارکش به نوکرانش

ص: 75

هست و از آنها دستگیری می نماید . با خود گفتم برای نماز به مسجد می روم بینم چه می شود . نماز که تمام شد شخصی نزد من آمد و بدون مقدمه ، مبلغی را تقدیم کرد و گفت : نذر کرده بودم این مبلغ را به شما بدهم و رفت . بدون این که به مبلغ نگاه کنم به بریانی رفته و به تعداد نفرات بریان سفارش دادم . مبلغی که بریانی درخواست کرد دقیقاً به اندازه پولی بود که آن شخص به بنده داده بود بدون ریالی کم و زیاد .»

16- عرض ارادت های خاص به محضر اهل بیت (علیهم السلام)

اشاره

رسول خدا(صلی الله علیه و آله)فرمودند : « علی جان ! مثل تو در میان مردم مثل سوره توحید است . هر کس یک بار این سوره را بخواند ، مثل آن است که یک سوم قرآن را خوانده ، هر کس دو بار این سوره را تلاوت کند ، مثل آن است که دو سوم قرآن را خوانده ، هر کس سه بار این سوره را بخواند ، مثل کسی است که تمام قرآن را خوانده است و تو هم یا علی ! این طور هستی اگر کسی تو را فقط با قلبش بخواند این شخص یک سوم ایمان را به دست آورده است اگر کسی با قلب و زبانش تو را بخواند ، دو سوم ایمان را به دست آورده است . اگر کسی با قلب تو را بخواند و زبان از تو دفاع کند و با اعضا و جوارح از تو پیروی کند، تمام ایمان را داراست .» (1) خصوص در مورد ایمان که دوست داشتن حضرت با قلب و زبان و عمل تکمیل ایمان است ، لذا معظم له در مرحله عمل با اظهار مودت

ص: 76

1- . بحار الانوار ج 39 ، ص 270 ؛ تأویل الآیات ج 2 ، ص 860 .

به آستان مقدس اهل بیت (علیهم السلام) عرض ارادت نموده اند که در ذیل به گوشه ای از آن اشاره می نمایم :

الف (ارادت به محضر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و غدیر

اشاره

بیان فضائل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر روی منابر ، و متوجه نمودن اذهان عمومی و مخاطبین به اهمیت والای مقام آن حضرت ، و گریه در مظلومیت ایشان ، در گفتار و عملکرد معظم له نمایان بود . در ایام شهادت آن حضرت چشمانشان اشکبار و حال بکای خاصی داشتند و حتی به دیگران خاصه اهل منزل توصیه می نمودند که مبادا در این ایام ، حال حزن تان عوض شود و غافل شوید . گریه های ایشان در شب های قدر در هنگام قرآن بر سر گرفتن و ذکر مظلومیت آن بزرگوار شاهد بر این ادعاست .

در ولادت آن بزرگوار و به خصوص روز عید سعید غدیر خم ، سرور خاصی داشتند و بسیار خرسند می شدند که در این روز میهمانان را بر سر سفری احسان امیرالمؤمنین (علیه السلام) متعمم نموده و با شربت و شیرینی و تبریک خاصه با ذکر « الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَالْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ » پذیرایی کنند .

همین امر ، توفیقات زیادی را در خدمت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) و غدیر آن حضرت برای بنده ایجاد نمود ؛ زیرا خدمت خالصانه و مستمر ، مانند بذری است که ثمرات آن در آینده آشکار خواهد شد و مؤسسه غدیرستان و برکات ناشی از آن ، از همین نوع ثمرات پربرکت است .

مرحوم پدر، با عمری خدمتگزاری و اهتمام به برگزاری جلسات ویژه غدیر، بهترین الگو و مشوق برای بنده بودند. تکریم این عید با عظمت توسط ایشان به خصوص اطعام روز غدیر در منزل شخصی خویش، خاطره های اثرگذار و فراموش نشدنی در قلب من به یادگار گذاشته و دعای خیر آن بزرگمرد بعد از رحلتشان باعث تقویت عملکرد اینجانب شده است.

نتیجه خدمت به امیرالمؤمنین (علیه السلام)

برادر گرامی ام، آقای محمدعلی شریفی نقل می کنند:

« مدت کوتاهی از رحلت معظم له نگذشته بود که خیلی می خواستم به طریقی در مورد خدماتی که ایشان در زمان حیاتشان به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نموده اند بشارتی به من برسد؛ لذا توسلاتی پیدا نمودم تا این که در عالم رؤیا از ایشان احوالشان را پس از رحلت سؤال نمودم که چه خبر؟ شما که خدمتگزار امیرالمؤمنین (علیه السلام) و روضه خوان امام حسین (علیه السلام) بودید نتیجه این خدمت چه بود؟

فرمودند: « وقتی مرا در قبر نهادید نگران بودم، تا این که امیرالمؤمنین (علیه السلام) از بین جمعیت جلو آمدند و سر مرا به دامن گرفتند»

ب) ارادت به محضر حضرت زهرا (علیها السلام)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به سلمان فرمودند:

« ای سلمان! هر کس فاطمه دختر مرا دوست بدارد، با من در بهشت است، و هر کس او را دشمن بدارد، در آتش است. ای

سلمان! محبت فاطمه(علیها السلام) در صد جایگاه سود می دهد؛ آسان ترین آن مواظن مرگ و قبر و میزان و صراط و محاسبه است. هر کس دخترم از او راضی است، من از او راضی ام، و هر کس من از او راضی ام، خدا از او راضی است، و هر که دخترم بر او خشم کند، من بر او خشم کنم، و هر کس من بر او خشم نمایم، خدا بر او خشم کند. ای سلمان! وای بر کسی که به او و شوهرش ستم کند. وای به کسی که به ذریه او ستم کند» (1).

اظهار محبت به صدیقی طاهره و برائت از قاتلین آن حضرت سیره ای بود که در زندگی و منابر پدر موج می زد. علاوه بر داشتن اعتقاد قلبی و زبانی برای بیان اهمیت احیاء مجالس حضرت زهرا(علیها السلام) و بیان ظلم بزرگی که به آن حضرت شده است، آن چنان در هنگام خواندن مصیبت جان سوز آن حضرت می سوختند که گویی این مصیبت در آن لحظه بر خودشان وارد شده است.

علاقه و ارادت ایشان به حضرت صدیقی طاهره(علیها السلام) در حدی بود که علاوه بر برپایی مجلس روضی حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) در دهی اول محرم به مدت 40 سال، در دهی فاطمیه نیز از سال 1380 گاهی صبح و گاهی عصر روضی حضرت زهرا(علیها السلام) را بر پا می نمودند و مادر ما که در تمام این سال ها خود را کنیز حضرت زهرا(علیها السلام) و خدمتگزار روضه خوان امام حسین(علیه السلام) می دانستند و پس از ایشان نیز

ص: 79

خود را خادمه این آستان می دانند و در این راستا انجاموظیفه می کنند ، همواره یار و یاور و در کنار ایشان بودند . در روضه هایی که پدر در منزل می خواندند ، اول گریه کن خودشان بودند و سپس والدی ما که به شدت در مظلومیت زهرای شهیده اشک می ریختند .

اخوی گرامی ما آقای محمدعلی شریفی بیان می کنند : « یک بار خدمت ایشان رسیدم و بنا شد برایم روضه حضرت زهرا(علیها السلام) بخوانند . پدر آن چنان در حین روضه منقلب شدند و مرا منقلب و گریان نمودند که از حال رفتم و ایشان به خاطر احساس خطر برای بنده ، روضه را قطع نمودند » .

17- اهتمام به زیارت آقا علی بن موسی الرضا (علیه السلام)

اشاره

شیخ طوسی از امام رضا(علیه السلام) نقل کرده است که آن حضرت فرمود :

« در خراسان بقعه ای است و زمانی خواهد آمد که آن بقعه همواره محل رفت و آمد و مطاف فرشتگان می شود تا روز قیامت که در صور دمیده می شود و قیامت فرا می رسد » .

پرسیدند : ای پسر رسول خدا ! این بقعه کدام بقعه است ؟ فرمود :

« این بقعه در سرزمین طوس است ، به خدا سوگند ! آن زمین باغی از باغ های بهشت است . هر که مرا در این بقعه زیارت کند ، مانند کسی است که رسول خدا(صلی الله علیه و آله)را زیارت کرده است و برای او

پاداش هزار حج مقبول و هزار عمری مقبوله نوشته خواهد شد و من و پدرانم روز قیامت شفاعت کنندى او خواهیم بود .» (1)

امام جواد(علیه السلام) فرمود :

« من ضامن بهشت برای کسی هستم که قبر پدرم را در طوس زیارت کند و حق او را بشناسد .» (2)

اهتمام پدرم به زیارت حضرت امام رضا(علیه السلام) و حضور طولانی در قسمت بالای سر حضرت روبروی ضریح مطهر و قرائت قرآن و ادعیه به خصوص زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام کامل و هدیه به آن بزرگوار ، سیره عملی و نحوه زیارت ایشان بود . بعضی مواقع ساعت ها به ذکر و مناجات مشغول بودند و فقط در مواقع نیاز جهت تجدید وضو مکان را ترک کرده و مجدداً باز می گشتند و مشغول به ذکر می شدند . ایشان می فرمودند : « اینجا ملائکه حضور دارند و سریعاً آنچه برای گذشتگان هدیه کنید به ایشان می رسانند » . سپس قضیه ای که برای خودشان اتفاق افتاده بود را این گونه نقل کردند :

ص: 81

1- . بحار الانوار ، ج 101 ، ص 367 و 33 .

2- . « ضَمِنْتُ لِمَنْ زَارَ أَبِي بِطُوسٍ عَارِفًا بِحَقِّهِ الْجَنَّةَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى » عيون اخبار الرضا ، ج 2 ، ص 256 .

« در قسمت بالای سر ، پس از زیارت های وارده و قرائت قرآن ، یک مرتبه به یاد مرحوم پدرم ، شیخ محمدحسین افتادم و تصمیم گرفتم از همین مکان مقدّس به نیابت از ایشان ، یک زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام به حضرت رضا(علیه السلام) تقدیم کنم . در اثناء زیارت یک لحظه چشمانم سنگین شد و در عالم رؤیا به منزل پدرم رفتم . پدر از من تقاضا کردند که روی کرسی اش بنشینم و روضه بخوانم . من عذر خواستم چون در مقابل ایشان که عالم و روضه خوان بودند خلاف ادب بود ، اما به اصرار ایشان منبر رفته و روضه خواندم . هنگام خروج از منزل ، ایشان جلو آمدند و پاکتی به من دادند .

گفتم : من فرزند شما هستم و نیازی به پاکت نیست .

فرمودند : نه ! این حق شماست . در عالم رؤیا دیدم این لطف پدرم بسیار متفاوت از پاکت های منبرها در بیداری است . همان لحظه به خود آمدم دیدم در حرم هستم . بلافاصله رفتم تجدید وضو نمودم و برگشتم زیارت را تمام کردم و خوشحال از اینکه این هدیه از این مکان به لطف ثامن الحجج(علیه السلام) به روح مطهر مرحوم پدرم رسیده است . با خود گفتم : فی المجلس مادرت نیز ، در زمان حیاتش برایت خیلی زحمت کشیده از فرصت استفاده کن و برای ایشان نیز هدیه ای بفرست . برای هدیه به مادر نیز زیارت عاشورای کامل با صد لعن و صد سلام را بدون این که بین آن با کسی تکلم

کنم شروع کردم . جالب اینجاست که در بین زیارت از فرط خستگی ، دو مرتبه چشمانم سنگین شد و خواب دیدم که به سمت منزل مادرم در حرکتیم . دیدم مادرم درب منزل در حال آب و جارو است . ایشان تا مرا دید بسیار خوشحال شد .

گفتم : این جا چه می کنید ؟ به زحمت افتاده اید .

گفتند : منتظر شما بودم بیایید . شما روضه خوان هستید .

یک مرتبه به خود آمدم و فهمیدم که این زیارت عاشورا در این مکان چقدر سریع به روح ایشان رسیده است . سپس دو مرتبه تجدید وضو کرده ، برگشتم و زیارت را تمام نمودم .

آخرین زیارت و پذیرایی امام رضا (علیه السلام)

در تیر ماه سال 1383 شمسی (یک سال قبل از رحلت مرحوم پدر) در حالی که به خاطر بیماری و سگته ، قسمتی از بدنشان بی حس شده بود درخواست زیارت امام رضا(علیه السلام)را نمودند . بنده نیز اطاعت کرده و به اتفاق ، به محضر امام رئوف ، حضرت علی بن موسی الرضا(علیه السلام) مشرف شدیم . در آخرین نوبت زیارت که به حرم حضرت رضا(علیه السلام) مشرف شدیم ، در قسمت بالای سر حضرت ، نزدیک ضریح در کنار ایشان در حال زیارت بودم . حال بکاء شدیدی داشتند و به ضریح مطهر خیره شده

بودند و همان لحظه عظمت و بزرگی مکان و صاحب مضجع را به من تذکر دادند که : « می دانی کجا نشسته ای ؟ پس با دقت زیارت کن
! »

بنده یک لحظه احساس کردم شاید تمایل داشته باشند دستشان را به ضریح برسانند . با خودم گفتم تا به حال سابقه نداشته که با توجه به
ازدحام جمعیت بخواهند نزدیک ضریح شوند . زیرا طبق سنت همیشگی ساعت ها در مقابل ضریح می نشستند و زیارت می نمودند و از
طرفی بی حس بودن قسمتی از بدن ایشان این اجازه را به من و ایشان نمی داد که نزدیک ضریح شویم .

چند لحظه بعد ، دو مرتبه ذهنم مشغول شد که الان کمی اطراف ضریح خلوت تر شده ؛ لذا عرض کردم : آیا تمایل دارید کمکتان کنم تا
دستتان به ضریح برسد ؟ کمی صبر کردند و نگاهی به ضریح انداخته و فرمودند : در صورت امکان مایلم . همان لحظه بلند شدم و زیر
بغل های ایشان را گرفتم تا بتوانند بایستند . سپس ایشان را به سمت ضریح حرکت دادم و دو سه قدم که جلورفتم لحظه ای جمعیت هجوم
آوردند . دیدم دو نفر از همین جوان های قوی جثه جلو آمدند و متوجه مطلب شدند . لذا به هر نحوی بود جمعیت را شکافته و در قسمت
بالای سر راه باز شد و ایشان رفتند مقابل ضریح ایستادند و من پشت سر ایشان و آن دو نفر با تمام قدرت ، هجوم جمعیت را کنترل می
کردند . از پشت سر نگاه کردم اشک ها

بود که روی گونه های ایشان سرازیر بود و شانه ها تکان می خورد ، اما بلافاصله ایشان دست ها را از ضریح جدا کرده و با کمک همان دو جوان ، در محل قبل مستقر شدیم . آن دو جوان رفتند . بعد از مدتی کوتاه که از این نحوه زیارت گذشت و ایشان مشغول زیارت بودند رو به من نمودند و با حالتی عجیب و اشک ریزان فرمودند : تا به حال چنین زیارت نکرده بودم !

عرض کردم : چطور ؟ خوب بود .

گفتند : آری ، خدا خیر به آن دو خادم بدهد .

گفتم : کدام دو خادم ؟

گفتند : همان دو خادم که حضرت رضا(علیه السلام)فرستادند و راه را باز کردند و مرا تا کنار ضریح بردند . سکوت کردم و فقط گوش می دادم . فهمیدم جریان چیز دیگری است . آنگاه تعریف کردند : اینجا نشسته بودم و خیلی دلم می خواست در این سفر جلو بروم و دستم به ضریح برسد و از نزدیک زیارت کنم . از طرفی با توجه به ناتوانی جسمی و ازدحام جمعیت و عظمت حضرت رضا(علیه السلام)حیاء می نمودم .

تا آنکه دو نفر خادم از طرف حضرت رضا(علیه السلام)آمدند و مرا راهنمایی کردند تا پای ضریح و در ضریح را باز کردند . من داخل شدم و دست روی قبر مطهر آن حضرت گذاشتم و زیارت کردم اما

ص: 85

ادب حکم می کرد که معطل نکنم. بنابراین، سریع زیارت کردم و برگشتم. مجدداً آن دو خادم مرا به محل قبلی راهنمایی نمودند.

بنده فقط سکوت کرده بودم و می شنیدم و سخنی نمی گفتم. فقط در ذهنم مراحل زیارت معنوی ایشان در عالم باطن را با آنچه که در خارج اتفاق افتاده بود تطبیق می کردم از جمله: حال عجیب معنوی و بکاء شدید، تمایل برای زیارت نزدیک ضریح، نگاه های مستمر همراه با اشک به ضریح، حضور آن دو نفر جوان بدون مقدمه و کمک نمودن تا انتهای کار، معطل نکردن و سریع برگشتن که گواهی از قرائن و شواهدی می داد که در این آخرین زیارت در مشهد الرضا(علیه السلام) و آخرین حضور در حرم، بنای بر یک پذیرایی خاص می باشد.

بعد از این جریان، ایشان در اقامتگاه از من بسیار تشکر کردند و گفتند: «تا به حال چنین زیارتی نرفته بودم». در حالی که روی تخت نشسته بودند دیدم حالشان منقلب شد و چشم ها پر از اشک و دقیقاً همان گونه که در حرم نقل نموده بودند بدون کم و زیاد تکرار و گریه می نمودند.

پس از این سفر زیارتی در زمان حیات که چند ماهی بیش نبود، مکرراً این مطلب را در مواقع خاص، یادآوری کرده و بسیار منقلب می گشتند تا حدی که از شدت گریه بی حال می شدند.

خادم الزوار، آقای حاج محمد ارشدی نقل می کنند :

حدود شصت سال قبل، قصد زیارت امام رضا(علیه السلام) کردم. به دلم افتاد قبل از حرکت به آقای سید عباس میرهدایتی شوهرخواهر جناب آقای ناجی که سال های متمادی است توفیق برگزاری روضه

در منزل خود در خیابان کمال را دارد سری بزنم. آقای میرهدایتی آن روز از این که منزل و مغازه شان در طرح خیابان ولی عصر(علیه السلام) افتاده بود و باید تخریب می شد ناراحت بود. لذا از بنده خواستند در این مورد سفارش مخصوصی به حضرت رضا(علیه السلام) بنمایم. بنده هر گاه به حرم مشرف می شدم با صدای بلند زیارت نامه می خواندم تا مردم هم استفاده کنند. اما یک روز دیدم حوصلی جمع را ندارم؛ بنابراین، در قسمت بالاسر جای دنجی پیدا کرده با حال توجه مشغول زیارت جامعه شدم. در همین هنگام، در یک لحظه دیدم پرده ها کنار رفت و دیگر ضریحی در کار نبود. دیدم آب در حال جوشیدن است و حضرت رضا(علیه السلام) بر روی کرسی مرصع نشسته اند و به زوار نظر دارند و دیدم همین آقای میرهدایتی در آب قرار گرفته و به آن تبرک جسته است. همان دم به یاد سفارشش افتادم و به حضرت عرض کردم: یا بن رسول الله! همین آقا بود که به من سفارش کرد مشکلم را حل فرمایید. و ناگهان به حالت عادی برگشتم.

وقتی به اصفهان آمدم آقای میرهدایتی به دیدنم آمد و اتفاقاً این بار خوشحال بود و گفت: مهندسی پیشنهاد خوبی به من داد و بحمدالله مشکل منزل و مغازه حل شد. بنده آن روز چیزی به ایشان نگفتم اما چند روز بعد که ایشان را دیدم مکاشفه ای که در حرم شده بود را برایش نقل کردم که اشک از دیدگانش جاری شد و زبان به شکر خداوند گشود و از حضرت رضا(علیه السلام) و احسان ویژه اش تشکر نمود و بنده را دعا کرد.

18- فعالیت های مذهبی و اجتماعی

اشاره

همدم و همراه بودن با مردم در فعالیت های اجتماعی مذهبی و اجتماعی در موضوعات مختلف با هدف تعظیم شعائر مذهبی باعث ایجاد رابطه های اثرگذار معنوی بین ایشان و اطرافیان شده بود، مردم نیز حقیقت حضور یک عالم مردمی دیندار و مقید را در بین خودشان احساس کرده و قدردان نیز بودند. در ذیل به گوشه ای از فعالیت های مذهبی و اجتماعی معظم له اشاره می نمایم:

الف (اقامه عزا و تعظیم شعائر حسینی

اشاره

نمونه ای شاخص از اقامه عزای حسینی توسط معظم له را می توان برگزاری روضه سیدالشهدا(علیه السلام) در دهه اول محرم، صبح ها را در منزل بیان نمود که به نکاتی در این زمینه اشاره می کنیم:

1: مبنای معظم له در برخورد با مجالس عزای حسینی

در سیره عملی مرحوم حاج شیخ محمدباقر شریفی، اقامی عزا برای حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) و تعظیم شعائر حسینی در رأس همی امور قرار داشت. مبنای ایشان در مورد اباعبدالله(علیه السلام) این بود که:

اولاً: باید با حضور قلب و توجه تام، مستمع خوبی برای روضه های امام حسین(علیه السلام) باشیم و حق آنچه را می شنویم ادا کنیم و آداب شرکت در مجالس اهل بیت(علیهم السلام) را رعایت نماییم.

ثانیاً: برای امام حسین(علیه السلام) روضه بخوانیم و لازم نیست منبری یا مداح باشیم؛ بلکه هر کسی می تواند برای خود یا خانواده اش چند جمله ذکر مصیبت نموده یا با گوش دادن روضه، خود و دیگران را بگریاند. ثالثاً: در جهت برگزاری مجلس روضی حضرت اباعبدالله(علیه السلام) قدم برداریم و اگر می توانیم یک مجلس به مجالس روضه اضافه کرده، دیگران را به روضه دعوت نماییم.

رابعاً: تعظیم عزاداران امام حسین(علیه السلام) و احترام به ایشان - در هر کسوت و لباسی که باشند - ضروری می باشد.

معظم له خود، این چهار نکته را به طور دقیق و کامل عمل می نمودند آن هم با اعتقاد و اخلاص کم نظیر. ایشان از همه توان خود برای اقامه عزاداری استفاده می نمودند و برای خشنودی اهل بیت(علیهم السلام) خاصه حضرت زهرا(علیها السلام) با هر زحمتی بود تا زمان حیات، مجلس روضی صبح های دهه اول محرم را سر پا نگه داشتند و الحمدلله پس از ایشان نیز ادامه دارد. در آخرین سالی که ایشان در قید حیات بودند در مورد اقامی عزاداری و گریه و احترام به شرکت کنندگان حال عجیبی داشتند و با سنوات قبل متفاوت بودند.

در دهی اول محرم برنامه این گونه بود که ایشان دو ساعت قبل از اذان صبح مشغول تهجد و شب زنده داری می شدند . سپس مقدمات نماز جماعت و روضه را فراهم نموده و حتی گاهی بر حسب ضرورت ، خود نیز منبر رفته روضه می خواندند . سپس در مجلس می نشستند و شنوندی روضی اهل منبر و ذاکرین می شدند و تا پایان مجلس بسیار می گریستند . معمولاً آن قدر گریه می کردند که آثار آن روی چهری معظم له باقی می ماند . در داخل مجلس برای واردین قیام می کردند و احترام می گذاشتند بدون این که روی صندلی بنشینند و گاهی که ضعف بر ایشان غالب بود در گوشه ای عبا بر سر می کشیدند و بر ارباب مظلوم و شهیدشان می گریستند .

معظم له در حین استماع روضه به جایی توجه نداشته خود را محور روضه سید الشهداء(علیه السلام) می کردند و لذا نه با کسی حرف می زدند و نه چیزی میل می کردند . بارها در طول مجلس از ایشان خواهش می کردیم صبحانه میل کنند ولی ایشان استتکاف می کردند و مجلس که تمام می شد صبحانه میل می نمودند .

بدین ترتیب هر سال در دهی اول محرم در کمال بی ریایی و خلوص، بیرق امام حسین(علیه السلام) در منزل ایشان بر پا می شد و دوستان و آشنایان و همسایگان از این محفل پرفیض بهره مند می شدند .

حالات ایشان در دهی اول محرم چنین بود که کسی ایشان را در این ده روز خندان نمی دید(1) و حالت ظاهری بکاء همواره در چشمان قرمز و صورت ایشان مشهود بود .

پس از جا به جایی از منزل کنار مسجد امام موسی کاظم(علیه السلام) و اسکان در خیابان علامه مجلسی(قدس سره) کوچه شیشه گری ، روضه به منزل جدید منتقل شد و هنوز هم به لطف خدا این بیرق بر پا است .

2 : شفای بیماری به برکت برگزاری روضه حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)

بیش از چهل سال قبل ، معظم له مدتی مبتلا به بیماری کلیوی می شوند و شدت درد و عوارض بیماری ، قوای ایشان را تحلیل می برد در حدی که قادر به حضور در مسجد نبودند . دهی اول محرم که می شود در همان اتاق کوچک خود ، با تنی چند از اهل مسجد ، مجلس روضی مختصری بر پا می کنند . از همان روز اول ، به لطف امام حسین(علیه السلام) حال ایشان رو به بهبودی نموده و به تدریج شفای کامل پیدا می کنند .

3 : اشک ریزان در عزای حسینی

اشاره

از دیگر ویژگی های پدر این بود که هیچ گاه روضی بدون اشک نمی خواند و در شنیدن روضه هم عادی برخورد نمی کرد و اشک از

ص: 91

1- . امام رضا(علیه السلام) فرمودند : « در دهه اول محرم پدرم خندان دیده نمی شد و هر چه به عاشورا نزدیکتر می شد ، حضرت بیشتر می گریستند » . و نیز فرمودند : « إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) أَقْرَحَ جُفُونَنَا ، وَأَسَدَ بَلِّ دُمُوعَنَا ؛ روز شهادت امام حسین(علیه السلام) چشمانمان را زخمی کرد و اشک هایمان را جاری ساخت » . بحارالانوار ، ج 44 ، ص 247 .

چشمانشان جاری می شد؛ لذا بر روی منبر هنگام روضه خواندن برای عموم، اول خودشان منقلب و گریان می شدند، بعد دیگران. در مجالس خصوصی نیز همین طور بود حتی اگر یک مستمع داشتند آن مجلس به واقع، مجلس روضی حقیقی و با حال و اشک بود و این موضوع در منزل بارها تکرار شده بود.

گاهی می فرمودند: چند روضه سفارش کرده اند می خواهم بخوانم. سپس والده به عنوان مستمع می نشستند و ایشان روضه می خواندند و هر دو آن چنان گریه می کردند که ما هم منقلب و گریان می شدیم. مُحَبِّ اهل بیت (علیهم السلام) جناب آقای حاج عباسعلی رضایت با ذکر خاطره هایی از منبرهای ایشان در حالی که اشک در چشمانشان حلقه زده بود بیان می کردند:

« بنده در طول سال و در مناسبت های مختلف پای منبرهای ایشان حال و هوای خاصی را مشاهده می کردم. نه تنها من، بلکه عموم حاضرین متذکر این مطلب بودند که ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) توسط ایشان بر روی منبر از همان ابتدا همراه با اشک و سوز و گداز بود و دیگران نیز تحت تأثیر این خلوص ناشی از صفای باطنی ایشان قرار گرفته و نتیجه می گرفتند ».

مکاشفه برای یکی از مؤمنین در روضه مرحوم پدر

یکی از شرکت کنندگان پر و پا قرص روضه های منزل پدری، پیرمردی مؤمن به نام « حاج شکر الله » بود که قریب 85 سال سن

داشت و با عصا و به سختی تردد می کرد، لکن همیشه در صف اول نماز در مجلس روضه حاضر و جزء اولین ها بود.

این مؤمن، بسیار رقیق القلب و جزو گریه کنندگان بر حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) بود و در هنگام خواندن دعای عهد و زیارت عاشورا به شدت می گریست. یک روز در اتاق، مرحوم پدرم و مرحوم حاج عبدالرسول شرکت العباسیه (همسایه دیوار به دیوار) و ایشان و یکی دو نفر دیگر حضور داشتند و بنده در حال قرائت زیارت عاشورا بودم که دیدم اشک و سوز زیادی بر مجلس حاکم شده و این پیر مرد به شدت منقلب است در حدی که به حالت نیمه غش در آمده بود.

بنده پس از زیارت، برای انجام امور مربوط به روضه بیرون آمدم و به تدارکات مشغول شدم و ایشان را ندیدم. تا این که خبردار شدم چندین مرتبه درب منزل آمده اند و با حال بکاء سراغ من را گرفته اند.

ظهر شخصاً درب منزلشان رفته علت را جویا شدم. درب که باز شد چشمم به صورت و چشم های قرمز و پراشکس افتاد. این پیر مرد نورانی، قبل از سخن گفتن مرا بغل کرده و آن قدر اشک ریخت که من نیز منقلب شدم. سپس با هق هق به طوری که گریه امانش نمی داد، گفت:

بعد از نماز صبح، در هنگام زیارت یک لحظه متوجه شدم سید جلیل القدری جلوی پدر شما نشسته اند. با خود گفتم: عجب! ایشان

روزهای قبل نبودند ، شاید امروز برای منبر دعوت شده اند . یک مرتبه حال عجیبی به من دست داد که نه می توانستم اشاره ای بکنم و نه سخنی بگویم و فقط گریه می کردم و البته کاملاً هوشیار بودم تا این که لحظاتی بعد ، دیگر ایشان را ندیدم و از اثر همان چند لحظه زیارت آن سید بزرگوار ، تا الآن که حدود 8 ساعت است اشک چشمم بند نمی آید .

بنده با احترام پیشانی ایشان را بوسیدم و عرض کردم این موضوع را به پدر انتقال می دهم . وقتی به ایشان گفتم ، سیل اشک از دیدگان آن مرحوم جاری شد . این پیرمرد تا دو ماه پس از این ماجرا در این غم سوخت و در نهایت ، جان به جان آفرین تسلیم کرد و طی این دو ماه چند مرتبه دیگر ماجرا را بدون کم و کاست برایم نقل نمود . خداوند او را رحمت نموده سر سفری اربابش امام حسین(علیه السلام)متنعم گرداند .

گاهی پرده برای بعضی کنار می رود و این صحنه ها دور از انتظار نیست ، چرا که اهل بیت علیهم السلام صاحب عزاهای اصلی این مجالس هستند و اگر سالیان سال مجلسی بی ریا و با خلوص برگزار شده باشد جای تعجب نیست که در آن حضور پیدا کنند و از عزاداران خویش دلجویی نمایند .

یادی از ذاکر با اخلاص ، مرحوم حاج غلامرضا غزالی

یکی از ذاکرین با اخلاص ، که در بیت معظم له روضه می خواندند ، شاعر و ذاکر دلسوخته و با اخلاص ، مرحوم حاج غلامرضا غزالی (رحمه الله) بودند که عمر با برکت خویش را در محضر اهل علم ، بالاخص مرحوم آیت الله حاج سیداحمد فقیه امامی (قدس سره) و دیگر علما و همچنین معظم له گذراندند و ارادت خاصی به مرحوم والد نشان می دادند .

روضه های ایشان در مکان های مختلف ، از جمله مسجد جامع ، مسجد سیّد و ... و نیز در دعای ابوحمزه ثمالی شب های ماه مبارک رمضان همراه با مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ مهدی مظاهری برای همگان آشناست و جای خالی ایشان همانند دیگر شعرا و روضه خوان ها نمایان است .

پس از رحلت مرحوم والد ، با توجه به علاقه ای که بین ایشان و معظم له بود با اهداء یک عدد پرچم بزرگ گلدوزی شده که به نام مقدس حضرت زهرا (علیها السلام) متبرک و حاوی ذکر و یاد معظم له بود به

مجلس روضه حضرت زهرا (علیها السلام) که در فاطمیه اول در منزل پدر برگزار می شود محبت خویش را ابراز داشتند . روحیات معنوی ، اخلاص و حسن خلق مرحوم غزالی بسیار ستودنی بود . در حال حاضر بحمد الله اخوی ایشان ، جناب آقای حاج مهدی غزالی یاد و خاطری آن مرحوم را زنده نگه داشته اند گرچه بارها از روی تواضع

خود را شاگرد ایشان معرفی کرده اند. ارتباط ایشان با مرحوم والد باعث شد مقدمات وصلت بین دو فامیل مهیا شود و مداح اهل بیت علیهم السلام آقای محمدعلی شریفی برادر این جانب داماد آقای حاج مهدی غزالی می باشند .

4 : توصیه پدران به فرزندان

مرحوم پدر بارها می فرمودند :

« فرزندانم ! عمری است که در عزای سیدالشهدا (علیه السلام) گریه کرده و مردم را گریانده ام و از زمانی هم خداوند توفیق خدمت به عزاداران حسینی را در منزل به من عطا فرموده است ، برکات خاص آن را در زندگی و خانواده ام مشاهده نموده ام . گرچه نذر برای روضه امام حسین (علیه السلام) و ادای آن بسیار مقدّس و اثرگذار است ، لکن من این روضه دهه اول محرم صبح ها در منزل را برای حاجتی نذر نکرده ام که با رسیدن به حاجتم آن را تعطیل نمایم ؛ بلکه به اکسیر اعظمی دست یافته ام که تا زنده ام آن را از دست نخواهم داد . « یکی از وصایای پدر این بود که در صورت توان تا ده سال (1) پس از ایشان ، این روضه توسط فرزندان ادامه یابد که به فضل و توفیق الهی تاکنون برپا بوده و هر سال باشکوه تر از سال قبل در حال برگزاری می باشد و قدمت آن حدود نیم قرن تا سال 1400 شمسی

ص: 96

1- . این جمله انسان را به یاد وصیت امام باقر (علیه السلام) می اندازد که فرمودند : « بعد از شهادتم ، ده سال در منا برای جدم امام حسین (علیه السلام) عزاداری برپا نمایید . » .

می رسد . و امیدواریم نسل ایشان هیچ گاه این بیرق را بر زمین نگذارند تا در پرتو عنایات اهل بیت (علیهم السلام) و توسل به چراغ هدایت و کشتی نجات ، از آفات و خطرات آخرالزمان در امان بمانند .

5 : توصیه به روزه های هفتگی

یکی از سنت های که از قدیم در بین مردم رواج دارد و بسیار گره گشا می باشد روزه های خانگی هفتگی یا ماهیانه است که در یک روز مشخص از ماه یا از هفته ، واعظ یا ذاکری دعوت می شود و برای اهل منزل ، منبر و روزه برگزار می گردد . این کار هم باعث

برکت منزل و دفع بلااست و هم در تربیت دینی فرزندان تاثیر بسزایی دارد . سنت دیگر این است که کسی از روزه خوانی خواهش می کند به نیابت از او در مجلس عمومی یا خصوصی روزه ای بخواند .

معظم له همیشه سفارش به روزه های هفتگی و توسلاتی از این دست می نمودند و اثرات این گونه توسلات را برای مردم بازگو می کردند . برای ایشان تعداد مستمعین هرگز موضوعیت نداشت و هیچ گاه روزه ای برای ایشان تکراری نبود .

ب) اقامه نماز جماعت

اهتمام و توجه تام مرحوم پدر به اقامی نماز و بر پا داشتن این فریضه در مسجد ، از ویژگی های بارز ایشان بود . به راستی که بیش از نیم قرن اقامی نماز در مساجد مختلف آن هم با دقت زیاد و تعهد تام ، کاری بس طاقت فرساست که جز به توفیق الهی حاصل نمی شود .

معظم له از سال 1350 به مدت بیست سال امام جماعت مسجد امام موسی کاظم (علیه السلام) واقع در خیابان کمال) به صورت سه وقت بودند .

ویژگی خاص ایشان در این مسیر این بود که این فعالیت را بدون هیچ توقع و چشم داشتی انجام می دادند و بلکه به عنوان یک روحانی ، وظیفی خود می دانستند . شدت علاقی ایشان به برپایی نماز به حدی بود که گاهی در یک نوبت در دو جا اقامی جماعت داشتند تا مؤمنین و مؤمنات از فیض جماعت و برکات مسجد محروم نگردند و اغلب هم این مسیرها را پیاده طی می کردند .

پس از رحلت حجت الاسلام سید محمد علامه فانی (قدس سره) که در مسجد رضوی (واقع در خیابان صغیر) امام جماعت بودند ، با دعوت نمازگزاران ، مرحوم پدر ، ابتدا در یک نوبت و سپس سه نوبت اقامی نماز در این مسجد را بر عهده گرفتند و مسجد امام موسی کاظم (علیه السلام) را به جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید مهدی بکایی (زیدعزه) سپردند و خود تا سال 1383 تا زمانی که توان جسمی شان اجازه می داد در مسجد رضوی خدمتگزار مذهب و مشغول ارشاد مؤمنین بودند . بعدها در محراب همین مکان مقدس ، بر پیکر مطهر ایشان در روز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) سیزدهم جمادی الاولی (سی ام خرداد 1384) نماز میت ، توسط مرحوم آیت الله آقای حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره) اقامه گردید .

« إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ؛ آباد کردن مساجد خدا فقط در صلاحیت کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را بر پا داشته و زکات پرداخته و جز از خدا نترسیده اند ؛ پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند » . (1)

حدود 45 سال قبل که مرحوم حجت الاسلام ، حاج شیخ محمدباقر شریفی در مسجد امام موسی کاظم (علیه السلام) سه وقت اقامه نماز داشتند ، این مسجد قدیمی در حال تخریب بود و خصوصاً نم ، کف و دیوارهای آن را گرفته بود و تجدید بنا نیز از قدرت نمازگزاران خارج بود . لذا ایشان با کمک نمازگزاران و اهالی محل ، اقدام به تعمیر این مسجد نموده و از تخریب آن جلوگیری کردند . پس از این تعمیر ، بیش از بیست سال مسجد سر پا بود تا زمانی که حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید مهدی بکائی دامت برکاته و اهالی محل و نمازگزاران اقدام به تجدید بنای آن نمودند .

ص: 99

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: « کسی که مسجدی را بنا کند هر چند به اندازی لانی مرغی باشد، خداوند خانه ای در بهشت برای او خواهد ساخت ». (1)

د) اقامه مجالس دعا

اشاره

مرحوم علامه امینی(قدس سره) می فرماید: اهل بیت سه مدرسه باز کرده اند: 1: مدرسه حدیث، 2- مدرسه دعا، 3- مدرسه زیارت.

مدرسه حدیث: مخاطبین مدرسه حدیث مردم بوده و محتوای آن معارف و احکام است.

مدرسه دعا: مخاطب مدرسه دعا خدا می باشد و محتوای آن، طلب و درخواست از خداوند است. در مدرسه دعا، اهل بیت علیهم السلام به ما می آموزند اسماء الهی چیست؟ ادب دعاء چیست؟ چه چیزهایی از خدا خواستنی است؟

مدرسه زیارت: مخاطب مدرسه زیارت خود ائمه (علیهم السلام) هستند.

محتوا و پیام عمده آن، اشاره به شئون و مناصب امام است هرچه در زیارات ژرف اندیشی داشته باشیم معرفت ما نسبت به امام بالاتر می رود.

زیارات مأثوره و غیر مأثوره، مطلقه و مقیده به ما رسیده است که در کنار مزار نورانی اهل بیت(علیهم السلام) خواندن این زیارات به خاطر ازدیاد معرفت امام است که خوانده می شود.

ص: 100

1- « مَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا وَلَوْ كَمَفْحَصِ قَطَاةٍ بَنَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ. » المحاسن، ج 1، ص 55؛ من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 235.

معظم له همچون دیگر دانش آموختگان این مدرسه بزرگ الهی، در جهت اقامه مدرسه دعا، همانند مدرسه حدیث و زیارت، با برگزاری مجالس دعا، پیروی خویش را از سنت اهل بیت (علیهم السلام) به اثبات رساندند.

در ذیل به بعضی از این گونه مجالس اشاره می کنیم:

1: دعای ندبه صبح های جمعه

در سال هایی که پیروان بهائیت و وهابیت سعی داشتند عقاید باطل خود را در بین شیعیان گسترش دهند، علما و مبلغین و مدافعین مرزهای اعتقادی تشیع، اقدام به احیاء جلسات دعای ندبه (1) در مساجد و ساخت مهدیه ها در شهرهای مختلف نمودند تا اقدامات فرقه های ضاله را خنثی نمایند.

دعای ندبه از ادعیه مأثوره ای است که مضامین آن اعتقادات تشیع را در بردارد و توسط امام صادق (علیه السلام) روح غدیری زیستن و منتظر امام زمان (علیه السلام) بودن را تعلیم می دهد؛ لذا انتخاب این دعا برای قرائت همگانی با حضور مؤمنین و مؤمنات همراه با سخنرانی یک مبلغ در جهت تقویت روح امید و انتظار، نقش بسزایی داشته و می توان از آن

ص: 101

1- . بزرگان و دلسوخته های زیادی در سراسر کشور اقدام به این امر نمودند، از جمله خطیب دسوخته حضرت بقیت الله الاعظم (علیه السلام) مرحوم آقای حاج شیخ احمدکافی خراسانی (رحمه الله) که تا به امروز، سوز و گداز او در فراق امام زمان (علیه السلام) در نوارهای صوتی که از ایشان به یادگار مانده، مشهود است، و مهدیه هایی که آن بزرگمرد در تهران و دیگر شهرها تأسیس و یا تقویت نموده مرکز توجه به حضرت مهدی (علیه السلام) می باشد.

به عنوان طرح عالمانه مرزبانان تشیع در مقابل هجوم اعتقادی دشمنان قلمداد کرد .

در همین زمان مرحوم حاج شیخ محمدباقر شریفی (قدس سره) در مسجد امام موسی کاظم (علیه السلام) سه راه صغیر ابتدای خیابان کمال (صبح های جمعه جلسی دعای ندبه را با حضور عموم مردم برگزار می نمود . ایشان در این جلسه خود منبر می رفت و با ذکر معارف مهدوی و دعا و توسل به امام حیّ ، کام تشنگان و منتظران را سیراب نموده روح امید و انتظار سبز را در دل ایشان زنده می کرد . در این محفل ، ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام) از جمله حاج آقا محمد ارشدی و مرحوم حاج حسین کلانی مردم را مستفیض می نمودند .

2 : دعای سَمات عصرهای جمعه

روز جمعه ، روز ضیافت خاص امام زمان - روحی فداه - می باشد همان گونه که در زیارت حضرتش در روز جمعه می خوانیم : « فَأُضْفِنِي وَاجْرِنِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ ... ؛ پس مرا پذیرایی کن و پناه ده » (1)

لذا منتظران امام زمان (علیه السلام) از هر لحظه این روز برای توسل و دعا برای آن حضرت غافل نبوده و ساعت آخر این روز را برای توجه به آن بزرگوار اختصاص می دهند ؛ زیرا غروب جمعه دلگیر است و از این که این جمعه روز ظهور باشد کم کم امیدها قطع می گردد و در این

ص: 102

لحظات، قلب ولیّ خدا، امام زمان - روحی فداه - می گیرد و به واسطه آن دل محبین حضرت نیز می گیرد. و این موضوع بهترین بهانه است برای منتظران امام زمان - روحی فداه - که در ساعات پایانی روز جمعه در خانه خدا رفته و در زمانی که وعده استجابت (1) از طرف خداوند داده شده، با خواندن ادعیه های مأثوره خصوصاً دعای سیمات - که بر آن تأکید (2) شده - دل های خویش را متوجه قلب عالم امکان نموده و از خداوند متعال، سلامتی و ظهور آن حضرت را طلب نمایند.

ص: 103

1- . عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ (عليهما السلام) قَالَتْ سَمِعْتُ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) إِذْ قَالَ فِي الْجُمُعَةِ لَسَاعَةً لَا يُرَاقِبُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ قَالَتْ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ سَاعَةٍ هِيَ قَالَ إِذَا تَدَلَّهَ نِصْفُ عَيْنِ الشَّمْسِ لِلْغُرُوبِ قَالَ وَكَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَقُولُ لِغُلَامِهَا اصْبِرْ عَلَى الضَّرْبِ (الطَّرَابِ) فَإِذَا رَأَيْتَ نِصْفَ عَيْنِ الشَّمْسِ قَدْ تَدَلَّى لِلْغُرُوبِ فَأَعْلِمْنِي حَتَّى أَدْعُو. معانی الأخبار، ص 399-400. از حضرت فاطمه عليها السلام روایت شده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: همانا در (روز) جمعه ساعتی است که مرد مسلمان هر امر خیری از خدای با عزت و جلال تقاضا کند به او عطا فرماید. فرمود: عرض کردم: ای رسول خدا! آن ساعت، کدام است؟ فرمود: هنگامی که نصف قرص خورشید از افق غروب کند و نصف دیگر آن فوق افق باشد (یعنی مُشْرِف به غروب شود) پس حضرت فاطمه³ به غلامش می فرمود: بر پشته ها و بلندی ها بالا رو، چون دیدی نصف قرص خورشید از افق غروب کرده به من اعلام کن تا دعا کنم.

2- . ابتدای دعای سمات در مفاتیح الجنان.

جناب آقای حاج محمد ارشدی با سابقی بیش از پنجاه سال آشنایی با مرحوم پدرم در مورد اقامه مجلس توسل و دعای سمات بیان می کند :

« در حدود سال 1340 ه.ش عصرها از حدود سه بعد از ظهر در منزل مرحوم حاج رحیم شاهی که از خدمتگزاران با اخلاص اهل بیت علیهم السلام بود، با حضور علما از جمله آیت الله حاج آقا ضیاء علامه (قدس سره)، آیت الله شیخ محمدباقر کرمانی (قدس سره)، آیت الله حاج سید احمد امامی (قدس سره)، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عنایت الله نجفی (قدس سره)، حجت الاسلام حاج شیخ محمدباقر شریفی (قدس سره) و دیگر علما و حضور مداحان از جمله مرحوم حاج حسین پنجه پور، مرحوم حاج عباس تولّا، مرحوم حاج حسین کلانی، و عموم مردم مجلسی برگزار می گردید. از عصر، علما و خطبا منبر می رفتند و غروب آفتاب هم دعای سمات خوانده می شد. سپس حجت الاسلام شریفی نماز را اقامه نموده و منبر می رفتند و این رویه تا قبل از حکومت نظامی در سال 1357 ادامه داشت و پس از آن مدتی وقفه افتاد ».

در ضمن، جناب آقای حاج حسن شاهی، خواهرزادی مرحوم حاج رحیم شاهی مطابق همین مطلب را به یاد داشته و بیان می نمودند. در سال 1380 به همت مرحوم پدرم و تلاش اخوان ثقفی نیا، جلسی عصرهای جمعه، طبق روال قبل مجدداً شکل گرفت و تا کنون ادامه دارد. در پایان این مجلس، در هنگام غروب، مؤمنین و مؤمناتی که بر مصائب اهل بیت: اشک ریخته اند، چهل مرتبه

ذکر شریف « اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ » را به صورت ایستاده و با سوز و گداز و حالت التجا بر زبان جاری می کنند و از خدا فرج امام عصر (علیه السلام) را طلب می نمایند . سپس نماز جماعت اقامه می شود و بعد از آن برنامه سخنرانی بر اساس کتاب مکیال المکارم (1) برگزار می گردد .

ص: 105

1- . نویسنده کتاب مکیال المکارم ، مرحوم آیت الله آقا سید محمدتقی موسوی اصفهانی (1301ق - 1348ق) ، مشهور به فقیه احمدآبادی است . وی نزد پدرش مرحوم آقا سید عبدالرزاق موسوی و میرزا بدیع درب امامی ، و آقا شیخ محمد کاشانی مشهور به آخوند کاشی ، و آخوند ملا عبدالکریم گزی و سید ابوالقاسم دهکردی شاگردی کرد و از مرحوم گزی اجازه روایت و از مرحوم آیت الله دهکردی اجازه اجتهاد دریافت کرد. (مکیال المکارم، مقدمه ، از مرحوم آقا سید محمدعلی روضاتی، ص 39). از او آثار و اشعاری بر جای مانده است. تخلص وی «تقی» یا «شرعی زاده» بود و اشعاری درباره امام زمان سروده است. (مکیال المکارم، ج 1، مقدمه موحوم آیت الله موحداطحی) مؤلف، این کتاب را با هدف شکر نعمت وجود حضرت مهدی (علیه السلام) نوشته است. (درسنامه مهدویت، ج 2، ص 258). او در مقدمه، انگیزه خود را از تألیف کتاب، دستور امام زمان (علیه السلام) برای نگارش آن بیان می کند. وی همچنین در مقدمه ، از دیدار خود با امام زمان (علیه السلام) در عالم رؤیا و دستور آن حضرت برای نوشتن کتاب سخن گفته است. نویسنده بیان می نماید که نام کتاب را آن حضرت انتخاب نموده اند. وی می گوید: «او را در خواب دیدم که با بیانی روح انگیز فرمود: این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام آن را بگذار: مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم» (مکیال المکارم، مقدمه، ص 4). با این حال، نویسنده، مدتی موفق به نگارش کتاب نشد تا این که در سال 1330ق برای انجام مناسک حج به مکه رفت و در همان سال در آنجا وبای شدیدی فراگیر شد و برخی از حاجیان را از پای در آورد. ایشان نذر کرد اگر سالم به وطن خود بازگردد، کتابی تألیف کند و هنگامی که به وطن بازگشت نگارش آن را آغاز نمود . (مکیال المکارم، مقدمه، ص 4).

فصل سوم: غروب

اشاره

ص: 106

اضطراب و نگرانی در شب شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) در بیت معظم له گرچه با ذکر توسل و دعا، امیدوارانه کنترل می گشت، اما انگار در این شب فریاد جدایی و فراق از پدری دلسوز و مهربان شنیده می شد. با خود روزی را همراه با مصیبت در مصیبت رقم می زد.

پس از گذشت آخرین شب خدمت و در محضر پدر، صبح هنگام که قصد خروج از منزل پدر را داشتم اضطراب بیش از حد خانواده ام بنده را نگران نمود موضوع را جويا شدم ایشان(1) بیان کردند هنگام سحر در عالم رؤیا پدر را در حالی که قصد خروج از منزل را داشتند دیدم. روبه من کرده و فرمودند: «باید به خانه ام برگردم، عروسم حلالم کن».

امروز هم که از قول خانواده ام پس از گذشت چندین سال مطلب را برای ثبت خاطرات جويا شدم ایشان اظهار داشتند از بس بنده به پدر شوهرم محبت داشتم و این محبت دو طرفه بود خصوصی با من خداحافظی و وداع نمودند. آری، از این رؤیای صادقانه چند ساعتی پیش نگذشت. پس از اذان ظهر روز سیزده جمادی الاول مصادف با شهادت حضرت زهرا(علیها السلام) معظم له به دیدار ابدی خویش شتافتند.

ص: 107

1- . صبیة مرحوم خادم الحسین حاج مصطفی ثقفی نیا . آن مرحوم سالیان سال اقدام به اقامه روضه دهه فاطمیه صبح ها داشتند و الآن هم این دهه روضه توسط همسر و فرزندان ایشان در حال برگزاری می باشد .

ارتحال معظم له در روز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام)

پاداش ارتباط معنوی قوی با حضرت صدیقی طاهره (علیها السلام) و ارادت قلبی و عملی به مقام شامخ آن بانو، و سال ها خدمت خالصانه به آستان مقدس فرزندان طاهریش به خصوص حضرت سید الشهداء (علیه السلام) و حضرت صاحب الامر (علیه السلام) آن هم در لباس روحانیت، و برگزاری حدود 40 سال مجلس عزا برای ارباب شهیدش و پاسخ به ندای «یا زهرا، روضه خوان حسینت را دریاب!»، رحلت معظم له در سال روز شهادت مظلومانی حضرت فاطمه (علیها السلام) (به روایت 75 روز) بود و در روز 13 جمادی الاولی 1426 قمری در حالی که سیاهی های روضه نصب بود، روح بلند و ملکوتی روضه خوان امام حسین (علیه السلام)، سر سفره با عظمت صدیقی اطهر (علیها السلام) در جوار رحمت الهی متعم گردید.

غسل در تاریکی

عاشق اگر رنگ معشوق نگیرد عاشق نیست. همه می دانیم که غسل و کفن زهراى مظلومه (علیها السلام) طبق وصیت خودشان در تاریکی شب صورت گرفت. غسل و کفن مرحوم حاج شیخ محمدباقر شریفی که یک عمر سنگ بانوی دو عالم را به سینه زده بود در شب شام غریبان در محل امام زاده مختار (1) (علیه السلام) به صورت اتفاقی

ص: 108

1- . سید مرتضی علم الهدی در کتاب کنزالانساب، صفحه 100 گفته: امامزاده مختار بن عبدالله بن جعفر بن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) زمانی که به اصفهان آمد آن بزرگوار را به شهادت رساندند. معتمدین، مطلعین و افراد سرشناس این سامان، کرامات ارزنده ای از این بزرگوار مشاهده نموده و یا از دیگران شنیده اند که مجال بیان آنها نیست. حقیر شیخ علی فلسفی (لطفی زاده) در کتاب بیست هزار زیارتگاه جهان، جلد سوم، صفحه 288 آورده ام که: امام زاده مختار که نسب شریفش با واسطه به حضرت رضا (علیه السلام) می رسد در چنگان اصفهان (شمال شهر خوراسگان قریه چنگان) دفن گردیده است.

در تاریکی انجام شد .

جریان از این قرار بود که آن گاه که پیکر نورانی به محل مخصوص غسل منتقل شد و بنده مشغول زیارت عاشورا و روضی حضرت زهرا(علیها السلام) شدم و غسال بنا داشت لباس را خارج کند ، تنها لامپ آنجا به طور ناگهانی سوخت . و تا تعویض لامپ صورت بگیرد با نور چراغ قوه یک گوشی تلفن همراه تغسیل و تکفین انجام شد که به صورت عجیبی تداعی کنندی غربت و مظلومیت امیرالمؤمنین(علیه السلام) و زهرای مرضیه(علیها السلام) بود .

مراسم نماز بر پیکر معظم له

پیکر نورانی روضه خوان اباعبدالله الحسین(علیه السلام) بر روی دستان گریه کنان در محل محراب مسجد رضوی ، جایی که ایشان حدود بیست سال ، سه نوبت نماز جماعت اقامه می نمود قرار گرفت . نماز ایشان با امامت مرحوم آیت الله آقای حاج سید حسن فقیه امامی(قدس سره) و جمعیت نمازگزار که اشک در دیدگانشان نقش بسته بود با حال و هوای

ص: 109

خاصی اقامه گردید . سپس با ندای « یا زهرا! » و « یا حسین! » برای انتقال به امام زاده ابوالعباس (علیه السلام) بر روی دستان مؤمنین قرار گرفت .

دفن در امامزاده ابوالعباس (علیه السلام) خوراسگان

پیکر معظم له وارد حرم امامزاده ابوالعباس (علیه السلام) شد و پس از ذکر توسل و خواندن روضه در جوار این امامزادی واجب التعظیم ، در صحن امامزاده و در کنار دیوار در جایی که بر روی کاشی کاری آن نام مقدس علی (علیه السلام) نقش بسته بود ، دفن گردید . قرائت زیارت عاشورا و توسلات و اقرار از عموم مؤمنین و مؤمنات در مورد خوبی های این بزرگمرد ، لحظی دفن را تبدیل به مجلس روضه نموده بود که گواه بر « تولی » بود . آنگاه لحظی ورود پیکر در قبر ، برائت از دشمنان ، با همت مداح اهل بیت علیهم السلام حاج آقا مهدی غزالی شروع گردید که گواه « تبری » بود . و این خود ، ثمری یک عمر تولی و تبری ایشان در طول زندگی بود .

اخوی این جانب آقای محمدعلی شریفی که از مداحان اهل بیت علیهم السلام می باشند یک روز پس از خاکسپاری معظم له گفتند : دیشب پدر را در عالم رؤیا دیدم که پیغامی دادند و فرمودند : « از همه خدمات شما تشکر می کنم . همه ادعیه و زیارات جای خود ، اما این اظهار برائت و لعن بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام به نحو عجیبی باعث نجات من شد » .

مسجد رضوی در روز ختم ایشان مملو از جمعیتی بود که عمری پای منبر وعظ و خطابی ایشان و روضه های آن بزرگمرد نشسته بودند . در این مجلس ، جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن یوسفی (زیدعزه) قبول زحمت نموده به ایراد سخن پرداختند . سپس با ذکر توسل و روضی حضرت اباعبدالله (علیه السلام) مجلس ختم تبدیل به یک روضی تمام عیار شد . روحشان شاد و راهشان پر رهرو .

نوشته روی سنگ قبر معظم له

اشعار ذیل با توجه به حقیقت حال و هوای معظم له در طول زندگی توسط شاعر و مداح اهل بیت (علیهم السلام)، آقای حاج مرشد علی طریقت (که از همسایگان و ارادتمندان به مرحوم پدر بود) سروده شد و سپس جهت نوشته شدن بر روی سنگ قبر منتخب گردید :

صرف شد ایام عمرم در ره شرع مبین

بوده ام خدمتگزار و روضه خوان شاه دین

مفتخر هستم که مهرش بوده اندر سینه ام

از اوان کودکی تا لحظه های آخرین

ریزه خوار خوان احسانش بدم دارم امید

شافعم گردد ز راه لطف، روز واپسین

یکی از دغدغه های مرحوم پدر ، تربیت فرزندان بود که مروج دین باشند و این دعایی بود که دائم بر لب زمزمه می کرد . آرزوی قلبی ایشان استمرار طلبگی در نسلشان بود ؛ یعنی کسی که لباس روحانیت پوشیده و در خدمت دین و هدایت جامعه قرار گرفته کسوت پرافتخار روضه خوانی امام حسین (علیه السلام) را در نسل ایشان حفظ نماید .

از برکت اخلاص پدر و دعاها و توسلات خاضعانه معظم له ، یکی از فرزندان ایشان یعنی آقای محمدعلیشریفی توفیق مداحی و روضه خوانی اهل بیت (علیهم السلام) را در کنار شغل آزاد خویش دارد و خداوند به این جانب محمدرضا شریفی ، توفیق قرار گرفتن در لباس مروجین مکتب تشیع و خدمت به آستان مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام) را عطا نموده است .

یک سال آخر که پدر قادر به خروج از منزل نبود ، بنده هر شب جمعه برای ایشان حدیث کساء و روضه می خواندم و ایشان به شدت گریه می کردند . سپس علی رغم ممانعت معظم له ، صورت خود را به کف پای ایشان می گذاشتم و ایشان با همان حال معنوی مرتب می فرمود : « خدا تو را مروج دین قرار دهد » .

البته این دعایی بود که از سالیان پیش بعد از خواندن زیارت عاشورا و پس از روضه ها و هنگام برگشت از مسجد رضوی در بین الطلوعین و جاهای دیگر از ایشان می شنیدم در حالی که بنده هیچ

تصمیمی به طلبگی نداشتم بلکه در ذهنم این بود که دبیرستان را در رشته ریاضی فیزیک تمام کنم و به دانشگاه بروم و همین طور هم شد و بالاخره در رشته مهندسی عمران فارغ التحصیل شدم در حالی که دعاهای پدر همچنان شنیده می شد و بنده فکر می کردم این دعاها صرفاً برای تشویق فرزند برای کسب علوم دینی است ، غافل از این که این دعاها به مرور داشت کار خودش را می کرد . اولین نشانه های استجابت دعای پدر در بین سال های 75 تا 77 زمانی که بنده در حال گذران خدمت سربازی در استان سیستان و بلوچستان در شهر زاهدان بودم آشکار شد . آنجا به کمک بسیج منطقه زاهدان موفق به تشکیل کانون فرهنگی شدم . خدمت به مردم خصوصاً سربازان و طرح مباحث اعتقادی و ایجاد برنامه های متنوع فرهنگی در پادگان و سوق دادن دل ها به سوی حضرت ولی عصر - روحی فداه - گام های نخست ترویج شریعت نبوی و علوی گشت ؛ زیرا آموخته خویش در محضر پدر را در آن منطقه به کار گرفتم .

پس از اتمام دوره خدمت ، دو سالی با ورود به شرکت مهندسی فدک با چند نفر از دوستان مهندس مشغول کار شدم . در این مدت ، قبل از تشکیل خانواده ، در « مجموعه ثقلین حسینی بنی فاطمه (علیها السلام) » اصفهان در منزل مرحوم حاج عباس میرباقری (قدس سره) مشغول به تدریس معارف امام زمان - روحی فداه - و شرح زیارت آل یس شدم و بعد از ظهرها نیز به توصیه مرحوم والد در مدرسی علمیه امام سجاد (علیه السلام)

واقع در جوار امامزاده اسماعیل (علیه السلام) شروع به تحصیل علوم دینی به صورت غیررسمی نمودم در حالی که صبح ها مشغول اداره پروژه های ساختمانی بودم و از سوی دیگر علاقی شدیدی به تألیف ، منبر و تدریس داشتم . با ورود به حوزه و استفاده از محضر معظم له به گونه ای شاهد استجابت دعای والد محترم بودم اما باور تحقق کامل این دعا که « خدا تو را مروج و ذاکر اهل بیت علیهم السلام قرار دهد » برایم سخت بود . تا این که یک روز صبح هنگام بین الطلوعین در حالی که گریه می کردند فرمودند : بنشین با شما کاری دارم . نشستم و در حالی که متعجب از این صحنه بودم عرض کردم : در خدمت بفرمایید ؟

فرمودند : دیشب خواب دیدم در جلسه ای اهل بیت علیهم السلام حضور داشتند و یکی از آن بزرگواران تابلویی بسیار زیبا و نورانی را که دعای سلامتی و فرج امام زمان - روحی فداه - بر روی آن نقش بسته بود به من دادند . لحظه ای در حالی که گریه می کردم تأمل کرده و اطرافم را نگاه کردم . شما را دیدم و تابلو را تحویل شما دادم . «

لحظه و خاطره ای بسیار نورانی همراه با معنویت و اشک بود ، مدتی کوتاه نگذشت که این خواب تعبیر شد و خداوند متعال توفیق اقامی جلسه دعا برای فرج را در اولین سال ازدواج عنایت فرمود و

تشکیل « محفل انس با امام زمان روحی فداه »⁽¹⁾ عصرهای جمعه ، و قرائت دعای سِمت و ذکر چهل مرتبه « اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ » نصیبم گردید .

توفیق اقامهٔ مجلس دعا برای حضرت ولی عصر روحی فداه عصرهای جمعه و بیان فوائد دعا از کتاب « مکیال المکارم » و دعوت از دلسوختگان آن حضرت برای دعا ، باعث توفیقی جدید گشت و از سال 1381 با برگزاری جشن های غدیر به صورت دهه ای در مسجد جامع آقانور اصفهان و سخنرانی خطبای گرانقدر و ارجمند ، خطیب توانا حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسن یوسفی (زیدعزه) و نیز حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسین یوسفی (زیدعزه) و حضور با شور مؤمنین ، تحوّل خوبی در برنامه های غدیر در اصفهان و شهرهای دیگر آغاز گردید .

با رحلت معظم له در سال 1384 شمسی ، یکی از علمای اصفهان به بنده زنگ زدند و فرمودند : مرحوم والد شما در عالم رؤیا فرمودند : « محمدرضا را برای ادامه تحصیل عازم قم نمایند » . این

ص: 115

1- . بحمدلله این جلسه تا الآن که مشغول به نگارش این کتاب هستم با همت اخوان تقفی نیا که فرزندان مرحوم خادم الحسین حاج مصطفی تقفی نیا هستند ، ادامه دارد . لازم به ذکر است برادرهای خانم این جانب هستند و پدر بزرگوارشان از مردان خالص و خدمتگزار به حضرت زهرا علیها السلام و اهل بیت علیهم السلام بودند که دههٔ فاطمیه صبح ها برای حضرت زهرا علیها السلام اقامه عزا می نمودند و اخلاص ایشان باعث این چنین توفیقی برای خدمتگزاری فرزندانشان به جلسهٔ دعا برای امام زمان - روحی فداه - گردید .

پیام، تیر خلاص در استجابات دعای معظم له بود و یکباره تحول عجیبی در بنده ایجاد نموده مقدمات ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم در مدرسه رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) را فراهم نمود.

جدایی از برنامه و پروژه های ساختمانی و تحویل آنها به شخصی امین، از جمله اموری بود که به لطف حضرت بقیه الله الاعظم - روحی فدا - به خوبی انجام گرفت و بنده را حجره نشین در محضر کریمه اهل بیت علیهم السلام، حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) نمود. پس از مدتی در عالم رؤیا مرحوم والد دستی بر روی سینه من گذاشتند و فرمودند: «الآن باید ملبّس شوی» لذا در قم به دست یکی از مراجع معظم تقلید، ملبّس گردیدم و اجابت کامل دعا را در کمال ناباوری دیدم.

سپس برای مدتی در حوزه علمیه ذوالفقار اصفهان در محضر اساتید همچون حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید مهدی فقیه امامی زید عزه و حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین فقیه امامی زید عزه، حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید احمد بهشتی زید عزه، حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ حسن صادقی زید عزه، حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ مسعود براری زید عزه، حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید مهدی بکائی زید عزه، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین شیخ عطاء الله طیبی و جناب شیخ عباس منتظرالقائم زید عزه دروس سطح را گذراندم.

با لطف و محبت مرحوم حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره) و توصیه آیت الله حاج سید حجت موحدابطحی دامت برکاته مجدداً مشرف به قم شده و در مسجد اعظم درس خارج فقه آیت الله العظمی آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی دامت برکاته و همزمان در مدرسه علمیه مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی (قدس سره) درس خارج فقه حضرت آیت الله آقای حاج سیدعلی میلانی دامت برکاته و خارج فقه و رجال حضرت آیت الله آقای حاج سیدعلی صدر دامت برکاته شرکت نمودم .

با تأکید و توصیه مرحوم حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره) این جانب مأمور به تأسیس مؤسسه فرهنگی هنری غدیرستان کوثر نبی (صلی الله علیه و آله) شده و با نظارت مراجع معظم تقلید و توصیه و راه کارهای ایشان و دیگر آیات عظام ، بحمدلله در زمان حیاتشان آثار و نتایج بسیار ارزشمندی تقدیم به جامعه تشیع گردید . سپس بعد از رحلت ایشان تحت اشراف فرزند برومندشان ، آیت الله زاده ، حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سیدمهدی فقیه امامی زیدعزه و نظارت حضرت آیت الله سیدحجت موحدابطحی دامت برکاته ، مجموعه غدیرستان در حال ادامه رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده می باشد . در ضمن کتاب « غدیرستان در تبلیغ غدیر » تا سال 1397 به عنوان سندی ماندگار از فعالیت های غدیرستان در 216 صفحه در قطع وزیری به زیور طبع آراسته گردیده است .

ص: 117

لذا در اثر استجابت دعای والدین حقیقی (ائمه معصومین علیهم السلام) و والدین نسبی (مرحوم والد و والده) در مجموعه غدیرستان این توفیقات برای حقیر حاصل گردیده که در ذیل به گوشه ای از این فعالیت ها با عنوان سخن غدیرستان اشاره می نمایم .

سخن غدیرستان

اشاره

مؤسسه فرهنگی هنری غدیرستان کوثر نبی (صلی الله علیه و آله) از سال 1381 هـ - ش و به صورت غیر انتفاعی تحت اشراف مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره) و بر اساس هیئت امنایی با کمک های مردمی و سهم مبارک امام ، طبق نظر و اجازه مراجع معظم تقلید ، و ندورات ، وظیفه و رسالت خویش را در امر تبلیغ غدیر آغاز نموده و تاکنون به فضل الهی مشغول به فعالیت است .

این مؤسسه نگاه و عملکردی تخصصی نسبت به تبلیغ غدیر داشته و قبل از ورود در هر نوع فعالیت تبلیغی ، کارشناسان غدیرستان پیشینه های فکری لازم را بر اساس ایده ها و تدابیر عاقلانه و تأثیرگذار تدارک دیده اند .

در ذیل با توجه به اهتمام و توصیه های مرحوم پدر به تعظیم شعائر غدیر و استجابت دعای این بزرگوار در مورد این جانب نسبت به تبلیغ غدیر ، لازم دانستم جهت ادای شکر و اطلاع رسانی به محبین اهل بیت علیهم السلام فهرستی اجمالی از عملکرد غدیرستان (1) در دو

ص: 118

1- . کتاب غدیرستان در تبلیغ غدیر ، در سال 1397 شمسی توسط انتشارات عطر عترت در 216 صفحه در قطع وزیری به زیور طبع آراسته گردید .

دهه گذشته را تیمناً و تبرکاً به عنوان حُسن ختام ضمیمه کتاب نموده که به آن می پردازیم :

1. فعالیت های آموزشی غدیرستان

اشاره

تربیت نیروی مبلّغ و محقّق و مدرّس غدیر و آموزش آنها در دوره های کوتاه مدت و بلندمدت از سال 1388 شروع شده و تا کنون پانصد کلاس آموزشی برگزار گردیده که فهرست موضوعات آنها چنین است :

الف : دوره های مقدماتی و زمینه ای

1 : روش تحقیق ؛ 2 : روش فهم حدیث ؛ 3 : مباحث مفردات قرآن ؛ 4 : مباحث تفسیری ؛ 5 : ادیان و مذاهب ؛ 6 : روش مناظره ؛ 7 : دوره آموزشی تألیف و ویرایش ؛ 8 : دوره آموزش مقاله نویسی ؛ 9 : اخلاق مبلّغین .

ب : مباحث امامت

1 : اعتقادات شیعه ؛ 2 : امامت در کلام امام ؛ 3 : امامت در قرآن ؛ 4 : امامت در شیعه ؛ 5 : امامت استدلالی در آیات ؛ 6 : شیعه شناسی ؛ 7 : ابعاد امامت ؛ 8 : تحلیل تاریخ اسلام ؛ 9 : شناخت امامان حق و باطل ؛ 10 : تاریخ سقیفه ؛ 11 : شفاعت ؛ 12 : نهج البلاغه .

ج : مباحث غدیر

اول : تحلیل واقعه غدیر

1 : دوره غدیرشناسی ؛ 2 : دوره تربیت مبلّغ غدیر ، با موضوع غدیر و فاطمیه ؛ 3 : دوره تربیت مبلّغ غدیر ، با موضوع غدیر و

مهدویت ؛ 4 : دوره تربیت مُبلِّغ غدیر ، با موضوع غدیر و ماه رمضان ؛ 5 : دوره تربیت مُبلِّغ غدیر ، با موضوع غدیر و دشمنان ؛ 6 : شئونات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و جانشینان آن حضرت ؛ 7 : غدیر و تشیع ؛ 8 : تاریخ و جغرافیای غدیر ؛ 9 : کتابشناسی غدیر ؛ 10 : اعمال عید غدیر ؛ 11 : شرح زیارت غدیریّه ؛ 12 : مسئولیت در قبال غدیر ؛ 13 : تاریخ غدیر .

دوم : بررسی خطابه غدیر

1 : شرح موضوعی خطابه غدیر به صورت عمومی و تخصصی ؛ 2 : دوره شرح ادبی - اعتقادی خطابه غدیر ؛

سوم : دوره های مهندسی تبلیغ غدیر در سه سطح

لازم به تذکر است که همه این دوره ها به صورت لوح های فشرده برای برگزاری همین کلاس ها در مناطقی که دسترسی به استاد حضوری ندارند آماده شده است .

2. تولیدات علمی - پژوهشی غدیرستان

الف : در قالب کتاب

1) فرهنگنامه موضوعی غدیر در 17 جلد

فرهنگنامه موضوعی غدیر در سال 1394 در 17 مجلد طراحی ، تألیف و تدوین و چاپ و عرضه شد . طراحی این فرهنگنامه با هدف رساندن پیام غدیر به مخاطبان در قالب موضوعات جداگانه اعتقادی ، حدیثی ، تاریخی ، جغرافیایی است . و بر همین اساس ، چهار محور اصلی را دنبال می کند :

ص: 120

قسمت اول: تاریخ غدیر، که شامل وقایع قبل از مراسم غدیر به عنوان مقدمه آن، و وقایع سه روزه سرزمین غدیر، و وقایع بعد از آن در طول چهارده قرن به ضمیمه جغرافیای غدیر است.

قسمت دوم: حدیث غدیر، شامل مباحث سندی و رجالی و مسائل مربوط به متن نسخه ها و منابع مربوط به غدیر می شود.

قسمت سوم: مباحث کلامی و اعتقادی غدیر، که شامل نتایج اعتقادی برگرفته از غدیر در ابعاد مختلف معارفی است.

قسمت چهارم: مسائل فرهنگی غدیر که شامل کتاب شناسی، ادبیات، دعا و زیارات عید و جشن غدیر و شیوه های تبلیغ آن است.

(2) دانش نامه غدیر در 26 جلد

یکی از چشم اندازهای غدیرستان آماده نمودن دانشنامه جامع الفبایی غدیر بود که عموم مردم و محققان بتوانند با رجوع به آن از انواع موضوعات مرتبط با غدیر بر اساس جستجوی واژگانی محض استفاده نمایند. بحمد الله این آرزو محقق شد و این اثر گران بها در حال حاضر چاپ و عرضه شده است.

(3) کتاب «مهندسی تبلیغ غدیر»

این کتاب طرحی جامع و مکتوب از مهندسی تبلیغ غدیر است که در آن، آموزش شیوه های تبلیغ غدیر با مطالعه چهارده قرن گذشته تبلیغ غدیر و دفاع از آن، و آنچه در روزگار ما با امکانات پیشرفته در این راه تحقق یافته و نیز آیندی قابل پیش بینی برای غدیر و نسل هایی

ص: 121

که با شرایط و امکانات دیگر به استقبال آن خواهند آمد مورد بحث قرار گرفته است. این کتاب در 616 صفحه وزیری و در 9 فصل در سال 1396 تدوین و چاپ شده است .

(4) مجموعه شرح خطبه غدیر

بعد از آشنایی عموم مردم با متن خطبه غدیر و قرائت آن ، نوبت به تبیین و شرح فرازهای این خطبی ارزشمند می رسد . این امر در مجموعی غدیرستان پیگیری و در یک مجموعی چند جلدی آماده چاپ است .

(5) درسنامه های غدیر در سطوح مختلف

یکی از موضوعات مهم در بحث تبلیغ غدیر ، تربیت نیروی انسانی (مبلغ یا مبلغه) برای غدیر می باشد که این امر در سطوح مختلف نیازمند آماده نمودن درس نامه هایی با محتواهای مهندسی شده جهت مخاطبان مختلف می باشد .

(6) تجلی غدیر در عصر ظهور

(7) غدیر تا فاطمیه

(8) خطبه غدیر ، نگاه فوری

(9) غدیر ، کلاس فوری

(10) غدیر با قرآن ، نسخه فوری

(11) غدیر در آینه شعر

(12) غدیر در یک نگاه (زبان انگلیسی)

(13) پیام آسمانی غدیر (خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم)

ص: 122

14) غدیر و دشمنان

15) شیوه های تبلیغ غدیر در کرونا

16) جرعه ای از برکه غدیر (سلسله دروس آموزش داده شده در غدیرستان در چندین مجلد)

ب: فضای مجازی

1: ویکی غدیر

ورود به فضای مجازی و انتقال آموزه های غدیر به صورت واژه ای به کاربران این فضا در سایتی به نام «ویکی غدیر» دسترسی مخاطبین را به محتوای دانشنامه غدیر آسان می نماید .

2: وب سایت غدیرستان

3: تلگرام

4: وات ساپ

5: اینستاگرام

ج: نرم افزاری

1: نرم افزار غدیرستان 1 و 2؛

2: نرم افزار خطابه غدیر؛

3: نرم افزار زیارات غدیریه امام هادی(علیه السلام)؛

4: نرم افزار زیارت جامعه کبیره امام هادی(علیه السلام) (منشور امامت) .

ص: 123

د: لوح های فشرده آموزشی

تمامی جلسات درسی و دوره های آموزشی با حضور اساتید برجسته تدوین و بازبینی و به صورت لوح های فشرده در آمده و آماده استفاده توسط علاقمندان می باشد .

3. نمایشگاه محصولات فرهنگی غدیر

در ایام غدیر با توجه به نیاز مردم به پرچم ، کتاب ، مسابقه ، قاب های ویژه غدیر و بسیاری از محصولات فرهنگی مربوط ، هر ساله غدیرستان اقدام به برگزاری این نمایشگاه کرده و پاسخگویی مراکز فرهنگی ، مؤسسات و ادارات و مدارس جهت تهیه جوایز و هدایا است .

4 . ارتباط با مخاطبین در مجموعه غدیرستان

غدیرستان در طی عملکرد تبلیغی خود با همه گروه ها به قدر توان خود ارتباط برقرار نموده و برای آنها محتوا آماده نموده است :

گروه اول : طلاب ، مبلغین و ائمه جماعات ؛

گروه دوم : مداحان اهل بیت(علیهم السلام) و هیئات مذهبی؛

گروه سوم : دبیران ، معلمان ، دانشجویان و دانش آموزان ؛

گروه چهارم : ارگان ها و سازمان های مختلف ؛

گروه پنجم : کانون های فرهنگی ، هیئت ها و مساجد ؛

گروه ششم : مخاطبین در فضای مجازی .

ص: 124

5. برگزاری جشن های غدیر از طرف غدیرستان

مدیریت یک دوره 40 روزه حدود 35 روز قبل از غدیر و یک هفته بعد از آن با سه حرکت ویژه، هر ساله توسط غدیرستان انجام شده است :

1 : برگزاری همایش استقبال از غدیر ؛

2 : مشاوره و ارائه راه کارهای تبلیغ ، آموزش های فشرده و دوره های چند جلسه ای و مدیریت برگزاری سفره های احسان امیرالمؤمنین(علیه السلام) ؛

3 : برگزاری مراسم تجلیل از مبلغین و خادمین غدیر و جشن شکرگزاری خدمت به غدیر .

6 . برگزاری سفره های احسان امیرالمؤمنین(علیه السلام)

در حدود 12 سال است که با کمک های به ظاهر کم و در باطن تبرک شده و معنوی ، سفره های گسترده اطعام در ظهر غدیر در حال برگزاری است و از 8 ایستگاه در سال 1389 امروز به 700 ایستگاه در سال 1399 رسیده و پیش بینی می گردد این سنت حسنه و در کنار آن برگزاری جشن و ترویج خطبه خوانی غدیر امسال نیز هر چه باشکوه تر و با رشدی بیشتر انجام شود .

در این جهت غدیرستان در روز استقبال از غدیر از همه مسئولین این ایستگاه ها دعوت کرده و سهمیه ای متبرک (ده کیلو برنج ، پنج کیلو نمک ، دو عدد بنر ، بروشور سفره داری و سی دی مداحی غدیر) تحویل داده و در روز تجلیل نیز هدیه ای به رسم یادبود به همه خادمین اعطاء می کند .

إعلام التّوری باعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

الامالی، محمد بن حسن طوسی، قم: دارالثقافه.

بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، علامه محمدباقر مجلسی، تهران: اسلامیه.

تفسیر نور الثقلین، عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، قم: اسماعیلیان.

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن علی معروف به شیخ صدوق، قم: نشر رضی.

جامع احادیث الشیعه، سید حسین بروجردی، تهران: نشر مهر.

جامع الاخبار، شیخ تاج الدین محمد بن محمد بن حیدر شعیری، قم: نشر رضی.

جامع الاصول من احادیث الرسول، مجدالدین مبارک بن محمد معروف به ابن اثیر، بیروت: چاپ عبدالقادر ارناؤوط.

جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، سید علی بن طاووس حلّی، تهران.

خورشید فقاہت و مرزبان امامت،

ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، میرسید حجّت موحد أبطحی موسوی اصفهانی، اصفهان: دفتر تبلیغات المهدی.

عیون اخبار الرضا، محمد بن علی معروف به شیخ صدوق، تهران: اعلامی. غرر الحکم و درر الکلم، ابوالفتح آمدی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم: دارالحدیث.

کامل الزیارات، ابن قولویه قمی، نجف: مرتضویه.

كنز الفوائد، شيخ ابوالفتح محمد بن علي كراجكي، قم: دار الذخائر.

گنجينه دانشمندان، محمد شريف رازي، تهران: دار الكتب الاسلاميه.

المحاسن، احمد بن محمد بن خال برقي، تهران: دارالكتب الاسلاميه.

مرزبان امامت و ولايت آيت الله فقيه امامي (قدس سره).

مستند الشيعه في احكام الشريعه، احمد بن محمد مهدي بن ابوذر نراقي كاشاني، قم: آل البيت.

مصباح الشريعه و مفتاح الحقيقه، منسوب به امام صادق (عليه السلام)، تهران: اعلمى.

معاني الأخبار، محمد بن علي معروف به شيخ صدوق، قم: جامعه مدرسين.

مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمى معروف به محدث قمى.

مكيال المكارم في فوائد الدعا للقائم، سيد محمد تقى موسوى اصفهاني، قم: مؤسسه الامام المهدي.

من لا يحضر الفقيه، محمد بن علي معروف به شيخ صدوق، قم: جامعه مدرسين.

نهج البلاغه، سخنان امام علي (عليه السلام)، تاليف سيد رضى، تصحيح و ترجمه محمد دشتى، قم: مشهور.

نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاينده، تصحيح و تنظيم عبدالرسول پيماني و محمدامين شريعتى، اصفهان، خاتم الانبيا، 1383. وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه، بيروت: دار احياء التراث العربى.

يادواره آيت الله فقيه امامي، ميرسيد حجت موحد ابطحي .

اللهم عجل لوليک الفرج

ص: 128

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

